

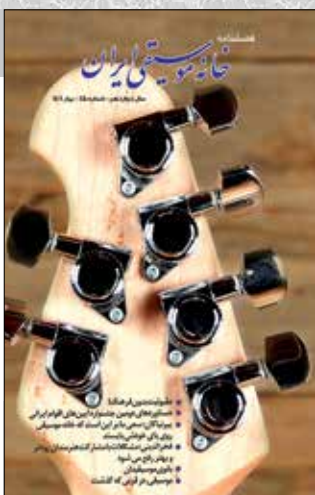
فصلنامه

# خانه موسیقی ایران

سال دوازدهم - شماره ۴۵ - بهار ۱۴۰۱



- مقبولیت بدون فرهنگ!
- دستاوردهای دومین جشنواره آیین‌های اقوام ایرانی
- پیرنیاکان: سعی ما بر این است که خانه موسیقی روی پای خودش بایستد
- فخرالدینی: مشکلات با مشارکت هنرمندان زودتر و بهتر رفع می‌شود
- بانوی موسیقیدان
- موسیقی، در قرنی که گذشت



## فهرست

- مقبولیت بدون فرهنگ! / ۲
- دستاوردهای دومین جشنواره آیین‌های اقوام ایرانی / ۳
- اعضای شورای عالی خانه موسیقی از نخستین جلسه این شورا در سال جدید گفتند / ۴
- داریوش پیرنیاکان: سعی ما بر این است که خانه موسیقی روی پای خودش بایستد / ۵
- فرهاد فخرالدینی: مشکلات با مشارکت هنرمندان زودتر و بهتر رفع می‌شود / ۷
- حمیدرضا نوربخش: ممنوعیت اجرای بانوان در برخی از شهرها قابل قبول نیست / ۹
- نشست ماهیانه هنرمندان و اعضای خانه موسیقی / ۱۱
- بانوی موسیقیدان / ۱۳
- عثمان محمدپرست / ۱۵
- موسیقی، در قرنی که گذشت / ۱۶
- تأثیر موسیقی بر درمان بیماری‌ها / ۲۱
- رتبه بندی فواصل هارمونیک از نظر ملایمت و ناملایمت با روش «هلم هولتز» / ۲۴
- معرفی کتاب‌ها / ۲۷
- معرفی آلبوم‌ها / ۲۸
- اخبار موسیقی / ۲۹
- درگذشتگان فصل بهار / ۳۲

### فصلنامه داخلی خانه موسیقی ایران سال دوازدهم - شماره ۴۵ - بهار ۱۴۰۱

**سرمدبیر:** حمیدرضا عاطفی  
**همکاران:** اعضای هیئت مدیره کانون پژوهشگران  
ویراستار: صبا بهداد  
**مدیر هنری:** افشین ضیائیان  
**گرافیک و صفحه‌آرایی:** لیلی اسکندریپور

**توزیع:** سیدجواد موسوی‌زاده  
**خانه موسیقی شماره ۱:** خیابان فاطمی غربی - نرسیده به جمalzاده - شماره ۲۷۰ - تلفن: ۶۶۹۱۷۷۱۱  
**خانه موسیقی شماره ۲:** میدان فاطمی، ابتدای خیابان شهید گمنام، خیابان جهانمهر، نبش بوعلی‌سینای غربی - تلفن: ۶۶۴۸۲۰۷۴  
[www.iranhmusic.ir](http://www.iranhmusic.ir)  
\* دیدگاه نویسندگان فصلنامه الزاماً مبین موضع رسمی نهاد خانه موسیقی نیست.



\*حمیدرضا عاطفی

## مقبولیت بدون فرهنگ!

معاف هستند اما متأسفانه برخی از آموزشگاه‌ها با اعمال فشار از سوی برخی شعبات مالیاتی مجبور به پرداخت مالیات می‌شوند و اعتراض آنها به جایی نمی‌رسد.

آیا وزارت ارشاد که مجوز فعالیت آموزشگاه‌های هنری را صادر می‌کند موظف به حمایت از آنها، آن هم زیر چتر قانون کشوری نیست؟ در هیئت دولت وزرا چه مسائل مهمتری از رسیدگی به مشکلات آحاد مردم دارند؟ آیا وزیر محترم ارشاد نباید از وزیر امور اقتصاد بخواهد که ابواب جمعی‌اش از آزار و ایدای ارباب هنر دست بکشند و در این واویلا اقتصادی و شرایط بی‌سابقه اسفناک، نمک روی زخمشان نپاشند؟

آیا مسئولان مملکتی خبر از این اوضاع و مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی ندارند؟ آیا از آمارقتل و دزدی و خودکشی و و که سبری به سرعت صعودی دارد بی‌خبرند؟ چرا در این شرایط آنها که باید برای زحمتکشان و هنرمندان شریف عرصه هنر و موسیقی مرهم باشند با بی‌قانونی و اجحاف دردی به دردهای آنها اضافه می‌کنند؟!

متأسفانه تغییر و تحولات در کشور به صورت همگون و یکسان به صورتی رقم خورده است که مجموعه دولت و شهرداری و دیگر ارکان کشوری یکدست شده و به صورت هماهنگ به مطالبات اهالی فرهنگ بی‌توجهند!

شرایطی که برای خانه هنرمندان پدید آمده در دو دهه گذشته بی‌سابقه بوده است و بیم آن می‌رود که در آینده نزدیک دیگر نهادهای غیر دولتی در حوزه فرهنگ و هنرنیز همچون خانه هنرمندان مورد بی‌مهری مسئولان بخش‌های مختلف قرار بگیرند ولی آنها از این نکته غافلند که اگر قرار است موفقیتی و مقبولیتی به دست بیاورند راهی جز قربانت و نزدیکی به فرهنگ غنی ایرانی و تعامل با ارباب و اصحاب آن که همانا هنرمندان هستند ندارند.

\* سردبیر

صد شکر که عامل مفارقت و پراکندگی رو به افول و نوید روزهای بهتر هویدا شده است. با کم‌رنگ شدن شیوع ویروس کرونا فعالیت‌های اجتماعی پررنگ‌تر از قبل آغاز شده و به تبع آن کنسرت‌ها و برنامه‌های جمعی و گردهمایی‌ها شروعی دوباره یافته است.

نخستین نشست ماهانه خانه موسیقی بعد از نزدیک به سی ماه از سر گرفته شد و برنامه‌ریزی برای برگزاری دوباره دوسالانه‌های آلبوم، کتاب و جشن موسیقی در حال انجام است. اما جای تأسف و تأثر بسیار دارد که حلقه محاصره اقتصادی روز به روز تنگ‌تر شده و راه نفس باریکتر از همیشه گشته و متأسفانه این وضعیت بیش از همه گریبان اهالی فرهنگ و هنر را گرفته است و شگفتا که در این اثنا هنوز سخت‌گیری‌ها و تعصبات بی‌جا در خصوص فعالیت‌های موسیقایی بویژه برای خانم‌های هنرمند وجود دارد و در برخی شهرستان‌ها با اعمال سلیقه‌های تنگ‌نظرانه عملاً هیچ مجرا و محفلی برای فعالیت اجتماعی این بخش از هنرمندان وجود ندارد.

از سالها پیش یکی از مطالبات بحق و همیشگی اهل فرهنگ و هنر که از زبان و تریبون رسمی خانه موسیقی نیز بارها اعلام شده اجرای قانون به صورت هماهنگ و سراسری در ایران بوده است. اجرای همین قانون با همه‌ی ضعف‌ها و کمبوهایش نیز مورد خواست صنف بوده چرا که در زیر این آسمان واحد و در جای جای مختلف آن قانون یکسانی وجود ندارد و به جای آنکه سرکشان از قانون و مواضع قواعد خودساخته محاکمه و بازخواست شوند این هنرمندان هستند که در عسرت و مظلومیت مورد سوال قرار می‌گیرند و آنها به ناگزیر به نهاد صنفی پناه می‌آورند و ما را سلاحی نیست جز اعتراض!

به عنوان مثال یکی از این بی‌قانونی‌ها همین معافیت مالیاتی آموزشگاه داران موسیقی است و بارها هم اعلام شده که آموزشگاه داران به شرط ارائه اظهارنامه مالیاتی از پرداخت مالیات



# دستاوردهای دومین جشنواره آیین‌های اقوام ایرانی



دومین جشنواره ملی موسیقی و آیین‌های اقوام ایرانی با تقدیر از راویان و پیشکسوتان موسیقی نواحی ایران شامگاه ۳۰ اردیبهشت ماه به کار خود پایان داد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس در مراسم اختتامیه تاکید کرد: شیراز بهترین جا برای گردهم آمدن گروه‌های موسیقی اقوام است.

قانعی در ادامه به موسیقی مناطق ایران پرداخت و ضمن اشاره به این نکته که موسیقی مناطق جزو جدایی‌ناشدنی از هویت فرهنگی هنری ماست، افزود: هر کشوری و هر فرهنگی تلاش می‌کند این هویت را حفظ کند و آن را از گزند آسیب‌ها در امان بدارد و یکی از بهترین روش‌ها برای برگزاری رویدادهای تخصصی بویژه موسیقی همین جشنواره آیینی اقوام است؛ موسیقی که هر گوشه آن سرشار از مولفه‌های هویت‌بخش مردمان سرزمین ماست.

## \* ایجاد دبیر خانه دائمی جشنواره موسیقی اقوام در

### شهر شیراز

دامون ششبلوکی دبیر علمی این جشنواره هم گفت: بدیهی است ساز و کار چنین جشنواره‌هایی، نیازمند زیرساخت‌های پژوهشی و تجارب گسترده در حوزه‌های مختلف است؛ نوی افزود: در این جشنواره نزدیک به ۲۰ گروه موسیقی از اقصی نقاط ایران بزرگ فرهنگی حضور داشتند و ما در بحث موزی کاری با جشنواره‌هایی مشابه این جشنواره تلاش کردیم، اولویت‌ها و تفاوت‌هایی در این جشنواره قائل باشیم که یکی از این موضوعات دعوت و حضور بزرگان، اساتید و خنیاگرانی بود که به دلایل مختلف در سال‌های گذشته حضور کمتری در این جشنواره‌ها داشتند. در خصوص موضوعات محتوایی جشنواره هم به دلیل همفکری و همدلی بین پژوهشگران منطقه و مشاوره‌هایی که بهره بردیم، رپرتوارهای مهم هر منطقه بررسی شد تا شاهد بخش اصیل و مهمی از فرهنگ موسیقایی مناطق باشید و اصیل‌ترین رپرتوارها، بخصوص در بخش اجرایی، رپرتوارهایی بود که شاید احیانا مغفول مانده‌اند. همچنین با همراهی دبیر اجرایی این جشنواره آقای آرش صفری، بستری فراهم کردیم تا گروه‌های موسیقی برای ایجاد آیین‌های موسیقایی در این جشنواره حضور داشته باشند.

در ادامه آرش صفری دبیر اجرایی این جشنواره نیز در این مراسم ضمن تقدیر و تشکر از گروه‌های شرکت‌کننده، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس و معاونان، رسانه‌ها، پژوهشگران و محققان شرکت‌کننده در جشنواره، گزارشی از عملکرد اجرایی جشنواره ارائه کرد.

## \* رونمایی از دایره‌المعارف آواز ایرانی

در مراسم اختتامیه دومین جشنواره ملی موسیقی و آیین‌های اقوام

ایرانی از نخستین دایره‌المعارف آواز ایرانی که به همت استاد میرعبدالله وطن‌دوست در ۱۳ جلد تدوین شده، رونمایی شد. این دایره‌المعارف اولین دایره‌المعارف جامع و فاخر در حوزه موسیقی و آواز ایرانی است که هزار گوشه آوازی از جمله نزدیک به ۴۰۰ گوشه از بین رفته از زمان قاجار تاکنون را شامل می‌شود.

بهرروز مبصری، پژوهشگر موسیقی درباره این دایره‌المعارف توضیح داد: این دایره‌المعارف با تلاش و سرمایه شخصی استاد وطن‌دوست گردآوری شده و ۲۵ پژوهشگر از سراسر ایران در تدوین آن همکاری داشته‌اند. تحقیقات این دایره‌المعارف به صورت میدانی و چهره به چهره انجام شده و تدوین آن ادامه خواهد داشت.

## \* حمایت بخش خصوصی از موسیقی اقوام ایران

در ادامه مراسم اختتامیه دومین جشنواره ملی موسیقی و آیین‌های اقوام ایرانی، احمد صدیقی، پژوهشگر موسیقی و مشاور عالی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن ابراز خشنودی از برگزاری این جشنواره گفت: بعد از مدت‌های طولانی این فرصت بوجود آمد تا شاهد اجراهای صحنه‌ای از اقوام مختلف ایران باشیم، چرا که رابطه تنگاتنگی مابین هنرمند و مخاطب وجود دارد و شور و نشاط در بین مردم ایجاد می‌کند.

## \* تقدیر از راویان موسیقی نواحی

در پایان مراسم اختتامیه از دامون ششبلوکی پژوهشگر و دبیر علمی جشنواره، غلامعلی گرگین‌پور نوازنده قشقایی، کورش اسدپور خواننده بختیاری، احسان عبدی‌پور نوازنده سرنا، کورش رضوانی‌فر خواننده کهکیلیویه و بویراحمد، هادی پورعطایی نوازنده دوتار خراسان، حسین درویش خواننده بلوچی، صالح احمدپور نوازنده نی اتیان و میلاد شه‌ریاری نوازنده و سرپرست گروه قشقایی با اهدای لوح تقدیر و تندیس جشنواره تقدیر شد.

اختتامیه دومین جشنواره ملی موسیقی و آیین‌های اقوام ایرانی شب گذشته با اجرای محمد شکارچی نوازنده کمانچه و خواننده در همراهی با سام ابدالی نوازنده دهل، دوتار نوازی هادی پورعطایی به یاد استاد عثمان محمدپرست، سرنا نوازی احسان عبدی‌پور در همراهی با دهل سام ابدالی و نیز گروه موسیقی قشقایی به سرپرستی میلاد شه‌ریاری به کار خود پایان داد.

## اعضای شورای عالی خانه موسیقی از نخستین جلسه این شورا در سال جدید گفتند

اعضای شورای عالی خانه موسیقی در گفتگوهای جداگانه دیدگاه خود را نسبت به مسائل مطرح شده در جلسه بیان کردند.



مطابق اساسنامه، شورای عالی خانه موسیقی بالاترین مرجع تخصصی و فنی خانه موسیقی، متشکل از هفت نفر از موسیقی دانان برجسته، متعهد، خوش نام و فعال در عرصه موسیقی و در زمینه‌های مختلف موسیقی است که حداقل سی سال سابقه فعالیت هنری در کشور داشته و عضو خانه موسیقی باشند. ۳ بهمن سال ۱۴۰۰ با رای مجمع عمومی خانه موسیقی فرهاد فخرالدینی، محمد سریر، هوشنگ کامکار، داریوش پیرنیاکان، حسن ریاحی، داود گنجه‌ای و تقی ضرابی بعنوان اعضای شورای عالی خانه موسیقی انتخاب شدند.

پس از پایان جلسه اعضای شورای عالی خانه موسیقی در گفتگوهای جداگانه دیدگاه خود را نسبت به مسائل مطرح شده در جلسه بیان کردند.

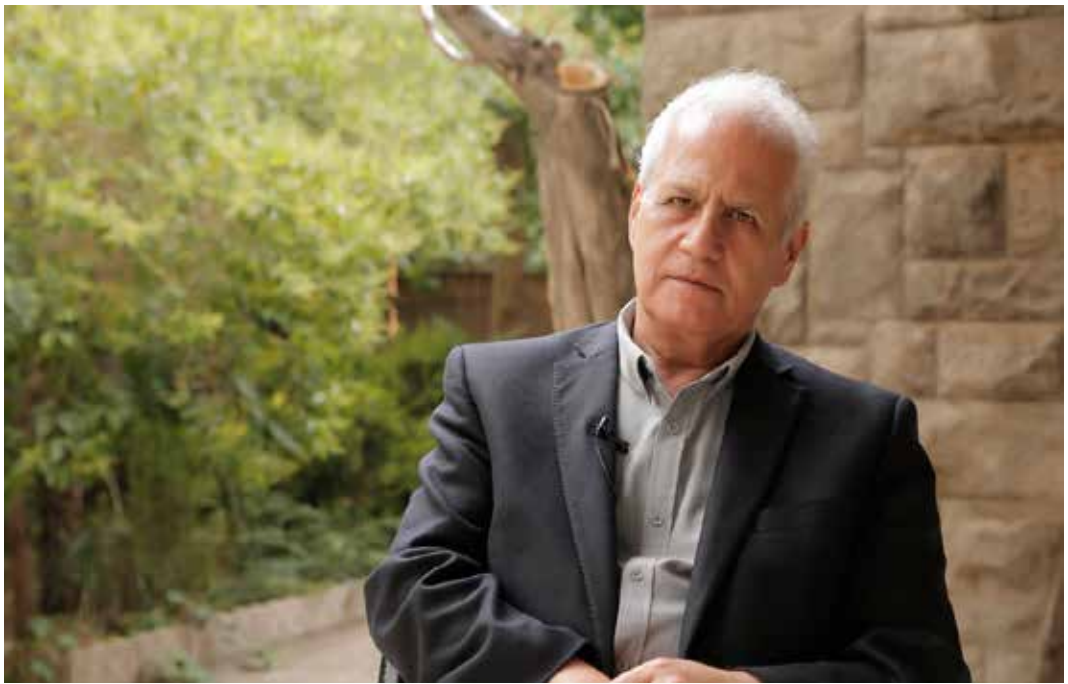
جلسه شورای عالی خانه موسیقی ۱۷ اردیبهشت ماه در محل ساختمان فاطمی تشکیل شد و اعضای این شورا که با رای مجمع عمومی خانه موسیقی انتخاب شده‌اند، به بررسی مسائل مختلف مرتبط با این نهاد مدنی صنفی پرداختند.

در این جلسه اعضای شورای عالی به اتفاق آرا فرهاد فخرالدینی را به عنوان ریاست شورای عالی خانه موسیقی و داریوش پیرنیاکان را به عنوان دبیر و سخنگوی شورا انتخاب کردند. همچنین حمیدرضا نوربخش (مدیر عامل خانه موسیقی) در این جلسه حضور یافت و گزارشی پیرامون عملکرد خانه موسیقی در سال‌های اخیر ارائه کرد. در ادامه از سوی رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل خانه برنامه‌ها، اهداف و چشم‌اندازهای آینده خانه موسیقی برای اعضای شورای عالی مطرح شد.

داریوش پیرنیاکان:

## سعی ما بر این است که خانه موسیقی روی پای خودش بایستد

رئیس و سخنگوی هیئت مدیره خانه موسیقی گفت: سعی ما بر این است که خانه موسیقی بتواند روی پای خودش بایستد و بتوانیم درآمدزایی کنیم زیرا ما نهادی مستقل هستیم و وقتی استقلال مان کامل می شود که از نظر مالی هم استقلال داشته باشیم.



دبیر شورای عالی درباره برنامه‌های مطرح شده از سوی هیئت مدیره به شورای عالی گفت: برنامه‌هایی که ما در هیئت مدیره مصوب کردیم و امروز هم به صحن شورای عالی آوردیم و آن‌جا مطرح شد چند برنامه بسیار بسیار گسترده است که آن‌ها را در پیش گرفتیم و حتماً باید انجام بگیرد. یکی اکسپوی است که حتماً باید برگزار شود زیرا خیلی می‌تواند در جامعه تأثیرگذار باشد. یکی موضوع برنامه دیگر نمایشگاه ساز است که از آن چیزی که قبلاً بود بسیار گسترده‌تر خواهد بود و در کنار آن انتشارات موسیقی و تمامی سازهای محلی و سازهای موسیقی نواحی هم در آن‌جا قرار است به نمایش گذاشته شود. مورد بعدی هم که بسیار می‌تواند تأثیرگذار باشد سمیناری است که درباره تأثیرگذاری نهادهای مدنی قرار است برگزار شود که فکر می‌کنم انشاءالله در

داریوش پیرنیاکان (رئیس هیئت مدیره و عضو شورای عالی خانه موسیقی ایران) پیرامون جلسه اخیر شورای عالی خانه موسیقی و مسائل مطرح شده در آن گفت: می‌دانید که شورای عالی از نظر جایگاه بالاترین جایگاه را در نهاد خانه موسیقی دارد و سیاست‌گذاری‌های کلان خانه موسیقی بر عهده شورای عالی است. این است که حتماً شورا باید در جریان امور قرار بگیرد و تصمیماتی را اخذ کند و درخواست‌ها و ابلاغ‌هایی که برای هیئت مدیره دارد را عنوان کند که به نظرم کلاً جلسه بسیار بسیار مفید و پرباری بود که انجام گرفت و بعد هم هر یک از دوستان هم در شورای عالی نظرات خودشان را گفتند.

**\*برگزاری اکسپو، نمایشگاه ساز و سمینارهای هنری از برنامه‌های آتی خانه موسیقی است**

نمی‌گویند که خانه هنرمندان به درد ما نمی‌خورد بلکه خانه هنرمندان را با بحران مالی روبه‌رو می‌کنند و فردا هم نوبت خانه تئاتر، موسیقی، سینما و... است. من این‌جا برای همکاران و دوستان خودم می‌گویم که ما باید هر طور هست از هر طریقی خانه موسیقی را حفظ کنیم. حال بودجه دادند که هیچ اگر هم ندادند سعی کنیم با اندک هم شده که از حق عضویت‌هاست چراغ این‌جا را روشن نگاه داریم.

مهرماه برگزار خواهد شد که این تنها از اندیشمندان داخل ایران نیست بلکه از اندیشمندان خارج از ایران هم دعوت خواهیم کرد که در این سمینار شرکت کنند که تقریباً موضع نهادهای مدنی باز شود و تأثیرگذاری نهادهای مدنی در اجتماع و تأثیرگذاری نهادهای مدنی در زمینه هنر که می‌تواند بسیار در آینده راهگشا باشد.

### \*خانه موسیقی به معرفی استعداد های جوان کمک

می‌کند

**\*خانه موسیقی باید روی پای خودش بایستد**  
وی در مورد برنامه برای استقلال مالی خانه موسیقی گفت: الان در هیأت مدیره سعی ما بر این است که خانه موسیقی بتواند روی پای خودش بایستد، مسائل اولی که اندکی راجع به آن‌ها توضیح دادم به این خاطر است که بتوانیم درآمدزایی کنیم که دستمان نه طرف شهرداری دراز باشد و نه طرف وزارت ارشاد زیرا ما نهادی مستقل هستیم و وقتی استقلال‌مان کامل می‌شود که از نظر مالی هم استقلال داشته باشیم. درست است و اصلاً در قانون اساسی است که حاکمیت، دولت‌ها و شهرداری‌ها حتماً باید به نهادهای مدنی از لحاظ مالی کمک کنند، اما وقتی کسی به این قضیه اعتقادی ندارد و می‌خواهد آن را از ریشه بزند باید نهادهای مدنی سعی کنند خودشان روی پای خودشان بایستند.

داریوش پیرنیاکان در ادامه با اشاره به برنامه تشکیل ارکستر مجلسی توسط خانه موسیقی گفت: قرار است خانه موسیقی یک ارکستر مجلسی راه بیندازد و سعی کند که آثار آهنگسازان ایرانی را اجرا کند، خصوصاً آهنگسازان جوان. یا مثلاً برنامه دیگری داریم که از جوان‌ها و نوجوانانی که کار موسیقی می‌کنند حتماً کلیپ‌هایی تهیه شود، در فضای مجازی گذاشته شود و این‌ها معرفی شوند آن هم در هر یک از سازهای کلاسیک، محلی، موسیقی ردیف دستگامی و... تا این‌ها معرفی شوند. زیرا الان عرصه‌ای نیست که این جوان‌ها و نوجوان‌ها کار خودشان را عرضه کنند. خانه موسیقی تلاش می‌کند که بتواند کمک کند که این می‌تواند کمک به استمرار موسیقی هنری و جدی باشد. خوب موسیقی‌های دیگر همه‌جا هست و خیلی هم ساپورت و پشتیبانی می‌شود، اما از موسیقی جدی و هنری باید و شاید نه رادیو تلویزیون نه ارشاد نه شهرداری و نه هیچ‌یک از این‌ها پشتیبانی نمی‌کنند. این است که ما سعی می‌کنیم حتی به طور اندک این کار را انجام بدهیم که این جوان‌ها و نوجوان‌ها امیدوار باشند که جایی هست که کارشان را ارائه بدهند. قرار است از این‌ها کلیپ‌های بسیار خوب و در سطح عالی تهیه شده و در فضای مجازی ارائه شود. دبیر و سخنگوی شورای عالی خانه موسیقی در ادامه سخنانش درباره کمرنگ شدن کمک‌ها و بودجه‌های دولتی به نهادهای مدنی صنفی گفت: نهادهای مدنی شریان‌های اجتماعی هستند که می‌تواند پیوند دهنده بین حاکمیت و مردم باشد. هر کس که بخواهد این نهادهای مدنی را بزند یعنی در حقیقت مَثَل این است که «یکی بر سر شاخ داشت بُن می‌بُرد» این نهادهای مدنی هستند که می‌توانند جامعه را قوام بدهند و در جامعه آگاهی ایجاد کنند و همچنین جامعه را از آسیب‌هایش محفوظ بدارد.

بودجه‌های بسیار کلانی در جاهایی به نام فرهنگ اختصاص داده می‌شود که اصلاً ربطی به فرهنگ ندارد. بودجه‌های کلانی در جاهایی خرج می‌شود که اصلاً فرهنگ‌ستیزی در آن‌جا رایج است پس نه تنها در مسیر فرهنگ خرج نمی‌شود بلکه فرهنگ‌ستیزی هم هست

### \*بودجه‌های کلان در جاهایی خرج می‌شود که

فرهنگ‌ستیزی دارند

داریوش پیرنیاکان گفت: ما از آن طرف می‌بینیم که بودجه‌های بسیار کلانی در جاهایی به نام فرهنگ اختصاص داده می‌شود که اصلاً ربطی به فرهنگ ندارد. بودجه‌های کلانی در جاهایی خرج می‌شود که اصلاً فرهنگ‌ستیزی در آن‌جا رایج است پس نه تنها در مسیر فرهنگ خرج نمی‌شود بلکه فرهنگ‌ستیزی هم هست. این است که تمام تلاش ما به عنوان هیأت‌مدیره یا شورای عالی که امروز در شورای عالی هم این صحبت بود که بسیار هم اعضای شورا روی آن تأکید داشتند که خانه باید بتواند روی پای خودش بایستد و احتیاجی نداشته باشد تا استقلال خودش را حفظ کند.

### \*خیلی استادانه می‌خواهند نهادهای مدنی را بزنند

وی افزود: متأسفانه آنطور که بوی آن می‌آید در این تغییر و تحول اخیر دارند نهادهای مدنی را می‌زنند و نمونه‌اش هم هست که بودجه‌های این‌ها را قطع می‌کنند. یعنی خیلی استادانه وارد تضعیف نهادهای مدنی شدند. یعنی نمی‌گویند که این نهاد مدنی را نمی‌خواهیم و در برهه‌ای این اتفاق افتاد و یک زمانی قبل از دوره آقای روحانی در دولت پیشین نهادهای مدنی را علناً تضعیف می‌کردند، اما الان این کار بسیار چراغ خاموش انجام می‌شود و بودجه‌اش را قطع می‌کنند در صورتی که وقتی بودجه یک‌جا را قطع می‌کنند به تدریج آن‌جا از بین می‌رود. یعنی



فرهاد فخرالدینی:

## مشکلات با مشارکت هنرمندان زودتر و بهتر رفع می‌شود

ریاست شورای عالی خانه موسیقی گفت: یکی از وظایف خانه موسیقی این است که به فکر بیمه هنرمندان باشد و به این فکر کند که چه کارهایی برای رفاه بیشتر هنرمندان می‌تواند انجام بدهد، تا حدودی که امکانات ایجاب می‌کند باید قدم برداشت.



عموم مردم دنیا بود، خصوصاً برای اهالی موسیقی که از قبل مشکلاتی داشتند و مشکل دیگری هم بر آن‌ها افزوده شد و طبیعی است که در چنین شرایطی یکی از وظایف خانه موسیقی این است که به فکر بیمه هنرمندان باشد و به این فکر کند که چه کارهایی برای رفاه بیشتر هنرمندان می‌تواند انجام بدهد تا حدودی که امکانات ایجاب می‌کند باید قدم برداشت.

### \*هرچه مشارکت در خانه موسیقی بیشتر باشد مشکلات راحت‌تر حل می‌شود

رئیس شورای عالی خانه موسیقی گفت: در این جلسه پیرامون کارهای انجام شده، توضیحاتی دادند جای تقدیر و تشکر دارد. همچنین ما شاهد انتخاباتی بودیم که در فضای باز برگزار شد و

فرهاد فخرالدینی (رئیس شورای عالی خانه موسیقی ایران) در خصوص جلسه اخیر این شورا و مسائل مطرح شده در آن گفت: در ابتدا باید از پیگیری‌هایی که در خانه موسیقی برای هنرمندان عزیز ما صورت می‌گیرد قدر دانی کنم، خصوصاً در امر بیمه هنرمندان امروز متوجه شدم که چقدر کارهای اساسی صورت گرفته و چه قدم‌های خوبی برداشته شده است. توضیحاتی که آقای حمیدرضا نوربخش در این زمینه دادند بسیار خوشحال‌کننده و امیدوارکننده بود، زیرا می‌دانید ما در زمانی زندگی می‌کنیم که موسیقی ما از جهات مختلف مورد ضربه است و همین که درباره معیشت هنرمندان عزیزمان فکری بشود و بتوانیم کاری انجام بدهیم دلمان را به این خوش کرده‌ایم. فخرالدینی گفت: دو سال اخیر سال‌های بسیار ناگوار برای



مشارکت بیشتری از این نظرها در کل ایران داشته باشد و راهنمایی‌های درستی انجام بدهد و کمکشان کند برای رسیدن به اهداف عالی‌ای که در این زمینه دارند. در هر یک از زمینه‌های آهنگسازی، نوازندگی، تدریس موسیقی، تشکیل ارکسترهایی که حتی امروز خبر خوبی راجع به آن‌ها شنیدیم که آقای نوربخش و دوستان عزیز گفتند به فکر این هستند که ارکستر مجلسی هم در خانه موسیقی تأسیس کرده و تشکیل دهند.

این آهنگساز پیشکسوت موسیقی ایران گفت: یکی از آرزوهای ما این است که این ارکسترها خصوصاً ارکستر سمفونیک ما آثار آهنگسازان ایرانی را بنوازند. زیرا آثار موسیقی کلاسیک را در همه‌جای دنیا زدند و مردم می‌شناسند و ضمناً اگر علاقه‌مندی وجود دارد آنقدر امکانات هست که از نظر موسیقی تصویری و غیرتصویری در اختیار داشته باشند و اجراهای متعددی را از

مشارکت خوبی از این نظر داشتیم که علاقه‌مندان به موسیقی و کسانی که در موسیقی فعالیت می‌کنند به سرنوشت خودشان توجه کردند و علاقه نشان دادند. این‌جا از تمام عزیزانی که خودشان را از این جمع کنار نگاه می‌دارند خواهش می‌کنم که به جمع بپیوندند و مطمئن باشند که وقتی این مشارکت بیشتر باشد و بیشتر بتوانند در کنار هم قرار بگیرند، راحت‌تر می‌توانند مشکلات خودشان را حل کنند و به دل‌خواه خودشان هم کسی را که بالاخره فکر می‌کنند شایستگی بیشتری دارد انتخاب می‌کنند که شاید قدم‌های مثبت‌تر و بهتری نسبت به عزیزان دیگر بردارند.

وی افزود: به هر حال بحث‌ها بر سر این بوده که چه کار می‌توان کرد که مشکلات مان کمتر شود و بتوانیم کاری برای هنرمندان عزیزمان انجام بدهیم که با رفاه بیشتر و خیال آسوده‌تری بتوانند به کار خودشان ادامه بدهند. ما هیچ نفعی در این کار نداریم و علت حضورمان در خانه موسیقی فقط به این دلیل است که موسیقی و موسیقی‌دانان ما وضعیت بهتری داشته باشند و مردم ما از موسیقی بهتر استفاده کنند و موسیقی خوبی تولید شود. نیت دیگری غیر از این برای اعضای محترمی که در این‌جا حضور دارند نیست و هدف همین است که به این مشکلات به نوعی غلبه کرده و بتوانند راه را برای آیندگان باز کنند.

### \*ارکسترهای متعددی برای کل کشور نیاز است اما امکانات ناچیز است

این رهبر پیشکسوت ارکستر در خصوص وضعیت ارکسترها در ایران گفت: مملکتی مانند ایران و پایتختی مانند تهران که ۱۶، ۱۷ میلیون جمعیت دارد طبیعتاً احتیاج به این است که ارکسترهای متعددی علاوه بر ارکستر سمفونیک و ارکستر موسیقی ملی را داشته باشد و هر محله و بخشی چه در شمال چه در غرب چه در شرق و چه در جنوب باید دارای چنین ارکسترهایی باشند تا مردم این راه دراز را طی نکنند برای این‌که می‌خواهند یک برنامه کنسرت را ببینند.

وی افزود: امکانات ما بسیار ناچیز است و ما هنوز چند سالن مناسب کنسرت در این شهر بزرگ و در شهرستان‌های دیگر نداریم. موسیقی صمیمیت می‌آورد و بیان عشق و علاقه است و هرچه بیشتر این هنر را در میان مردم رواج بدهیم به آرامش و آسایش مردم کمک کرده‌ایم. فکرهای ناآرام با موسیقی آرام می‌شوند و می‌توانند لحظات بسیار خوشی را داشته باشند.

### \*آرزو داریم ارکسترها آثار آهنگسازان ایرانی را بنوازند

فرهاد فخرالدینی گفت: به اعتقاد من خانه موسیقی باید

موسیقی صمیمیت می‌آورد  
و بیان عشق و علاقه است  
و هرچه بیشتر این هنر را  
در میان مردم رواج بدهیم  
به آرامش و آسایش مردم  
کمک کرده‌ایم

یک سمفونی یک آهنگساز خارجی را ببینند و متوجه شوند چه تفاوت‌هایی با هم دارند و کدام‌شان بهتر هستند. به نظرم صرف وقت زیاد در این زمینه درست نیست، البته نه این‌که اجرا نشود بلکه در کنار آن‌ها آثار آهنگسازان موسیقی ایرانی هم حتماً باید اجرا شود زیرا آهنگساز جوان می‌خواهد ببیند اثری که برای ارکستر سمفونیک نوشته چگونه صدا می‌دهد و آن‌جاست که راهکار را پیدا می‌کند و می‌فهمد که آیا درست نوشته یا می‌تواند بهتر از آن بنویسد. شنیدن و دیدن خیلی کمک می‌کند، این‌که آدم اثر خودش را ببیند که چگونه می‌نوازند و ببیند این نوع صدایی که در فکر خودش بوده با آن‌که این‌ها می‌زنند آیا منطبق هست یا خیر. ریزه‌کاری‌های عمیقی در این کار هست. اگر خانه موسیقی بتواند در این زمینه‌ها کمک بیشتری به کسانی که دست‌اندرکار اداره ارکسترها هستند بکند به نظرم از این منظر هم می‌تواند خدمت دیگری انجام بدهد.

حمیدرضا نوربخش:

## ممنوعیت اجرای بانوان در برخی از شهرها قابل قبول نیست

مدیرعامل خانه موسیقی با بیان برخی از مسائل مطرح شده حوزه موسیقی در نشست با رئیس جمهور گفت: نیمی از جامعه موسیقی ما بانوان هستند، وقتی امکان تحصیل در رشته موسیقی به آنان داده شده است، طبیعتاً باید اجازه فعالیت در این حوزه را هم داشته باشند. ممنوعیت اجرای بانوان در برخی از شهرها قابل قبول نیست.



داریم، اگر مجوزی برای اجرای کنسرت‌ها صادر می‌شود، این مجوز باید در همه کشور اجرایی شود، نه اینکه یک گروهی در یک استان اجازه اجرای موسیقی داشته باشد اما در استانی دیگر چنین مجوزی نداشته باشد.

نوربخش افزود: حضور و اجرای بانوان در گروه‌های موسیقی از دیگر مباحث مطرح شده در نشست با رئیس جمهور بود، نیمی از جامعه موسیقی ما بانوان هستند، وقتی که امکان و اجازه تحصیل در رشته موسیقی به آنان در هنرستان‌ها، دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌های آزاد و مراکز مختلف آکادمیک داده شده است، طبیعتاً باید اجازه فعالیت در این حوزه را هم داشته باشند.

حمیدرضا نوربخش با اشاره به حضور خود در ضیافت افطار رئیس جمهور (شامگاه ۲۵ فروردین) و بیان مشکلات و چالش‌های حوزه موسیقی در این نشست، اظهارداشت: دیدار صمیمانه و خوبی بود، خیلی هم خوشحال شدیم که جمع محدودی بود و رئیس جمهور می‌تواند با تمرکز سخنان هنرمندان را بشنود.

مدیرعامل خانه موسیقی ایران، یکی از چالش‌های جدی حوزه موسیقی که در این نشست مطرح شده را رعایت قانون در اعطای مجوز برای اجرای کنسرت‌ها در تمامی استان‌های کشور عنوان کرد و گفت: در یک کشور باید یک قانون جاری و ساری باشد، وقتی یک دولت در کشور حکفرماست و یک قانون هم

فعلی و در فضای مجازی با دسترسی به تلفن‌های همراه با یک کلیک، آثار بزرگان موسیقی را دانلود کرد و به آنها دسترسی پیدا کرد و چوب حراج به کل آثار هنرمندان زد، هزینه‌های قابل توجهی برای تولید آثار موسیقی اختصاص داده شده است. اگر واقعا برای اجرای قانون کی‌رایت فکری نشود، دیگر آثاری تولید نمی‌شود، برای اینکه مقرون به صرفه نیست، وقتی اثری بازگشت مالی داشته باشد، چرا نباید تولید بشود؟ وی اظهارداشت: اگر واقعا برای اجرای قانون کی‌رایت فکری نشود، دیگر آثاری تولید نمی‌شود، برای اینکه مقرون به صرفه نیست، وقتی اثری بازگشت مالی داشته باشد، چرا نباید تولید بشود؟ هنرمند دوست دارد که آثارش را تولید کند. نوربخش درباره تداوم جلسات با رئیس جمهور و حل

وی بیان کرد: در حال حاضر نمی‌شود در بعضی از استان‌ها و شهرهای کشور برای اجرای کنسرت، نوازندگان خانم اجازه رفتن روی صحنه را نداشته باشند.

مدیرعامل خانه موسیقی اظهارداشت: به عنوان مثال در شهر اصفهان، دیده شده است که هنرستان موسیقی دختران فعالیت می‌کند، دختر خانمی می‌تواند در این هنرستان تحصیل کند، ساز می‌نوازد اما در شهر خودش اجازه ندارد برای اجرای کنسرت روی صحنه حضور پیدا کند، اخیرا کلیپی منتشر شده بود که در شهر اردکان، در گروه موسیقی که دو خانم حضور داشتند، اعلام شده بود که آنان حق ندارند در اجرا حضور داشته باشند، امثال چنین برخوردهایی هست، از رئیس جمهور درخواست کردیم که اگر قانونی در این زمینه هست و قانون موضوعی را مجاز می‌داند، دیگر نمی‌شود گفت که در هر اقلیمی هر مسئولی جداگانه تصمیم بگیرد.

زنگ خطر بحران موسیقی سنتی و نواحی که بخش‌های هویتی موسیقی کشور هستند، مدت‌هاست که به صدا درآمده، بنابراین نیاز به یک نگاه و حمایت جدی فراتر از وزارت فرهنگ و ارشاد دارد.

نوربخش با اشاره به شرایط بحرانی موسیقی سنتی اظهارداشت: زنگ خطر بحران موسیقی سنتی و نواحی که بخش‌های هویتی موسیقی کشور هستند، مدت‌هاست که به صدا درآمده، بنابراین نیاز به یک نگاه و حمایت جدی فراتر از وزارت فرهنگ و ارشاد دارد، شخص رئیس جمهور باید یک نگاه ویژه‌ای در این حوزه داشته باشند و از این حوزه حمایت کنند.

مدیرعامل خانه موسیقی گفت: برگزاری کنسرت‌های موسیقی مدتی است که آغاز شده اما تاکنون متأسفانه برای گروه‌های موسیقی سنتی درخواستی صورت نگرفته است، همه درخواست‌ها برای برگزاری کنسرت‌های موسیقی پاپ بوده است، نه اینکه موضوع وزارت ارشاد باشد، درخواستی در این زمینه از سوی هنرمندان وجود ندارد.

وی افزود: باید تمهیداتی برای تقویت موسیقی سنتی و موسیقی نواحی؛ اقوام مختلف در جنوب، شمال، شرق و غرب اندیشیده شود، این موسیقی هویت ماست.

نوربخش، موضوع کی‌رایت را از دیگر مسائل مطرح شده در نشست با رئیس جمهور عنوان کرد و گفت: کی‌رایت، موضوع مهم و فرانهادی است، نهادهای مختلف باید پای کار بیایند، در حال حاضر قانون کی‌رایت وجود دارد اما اگر واقعا اجرایی شود، بسیاری از مشکلات اقتصادی حوزه موسیقی برطرف خواهد شد. مدیرعامل خانه موسیقی بیان کرد: شایسته نیست در شرایط

### زنگ خطر بحران موسیقی سنتی و نواحی که بخش‌های هویتی موسیقی کشور هستند، مدت‌هاست که به صدا درآمده، بنابراین نیاز به یک نگاه و حمایت جدی فراتر از وزارت فرهنگ و ارشاد دارد

مشکلات هنرمندان به خصوص در حوزه موسیقی گفت: وقتی که شخص رئیس جمهور در حوزه‌ای ورود می‌کند، طبیعتا حکایت از اهمیت موضوع دارد و اینکه با اراده رئیس جمهور بسیاری از مسائل می‌تواند حل شود.

نوربخش افزود: طبق یک عادت و سنتی، همیشه رئیس جمهوری که می‌آید، اهالی فرهنگ و هنر با او صحبت می‌کنند اما متأسفانه در گذشته اکثر این سخنان شنیده نشده است اما در شخصیتی که از آقای رئیسی سراغ داریم، انتظارمان و امیدواری ما از او خیلی بیشتر است و امیدواریم با حمایت، پیگیری و دستورات ویژه رئیس جمهور، با یک برنامه‌ریزی به تدریج شاهد اجرایی شدن قوانین و حل شدن بسیاری از چالش‌ها و مشکلات باشیم. ابراهیم رئیسی رئیس جمهور شامگاه پنجشنبه (۲۵ فروردین) در ضیافت افطار میزبان جمعی از هنرمندان و پیشکسوتان عرصه سینما، تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی بود.

## نشست ماهیانه هنرمندان و اعضای خانه موسیقی

نشست ماهیانه هنرمندان و اعضای خانه موسیقی پس از دو سال وقفه دوران کرونا در عصر روز یکشنبه ۲۹ خردادماه در سالن اجتماعات خانه موسیقی برگزار شد.



موسیقی در این نشست به بحث و بررسی موضوعات خواهیم پرداخت.

حمیدرضا اردلان، یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره خانه موسیقی درباره نقد و ایجاد فضای مناسب و کارآمد برای نقد درست در موسیقی صحبت کرد. او گفت: این نشست‌ها می‌توانند نشانه‌هایی باشند از عکس‌العملی که اعضای خانه موسیقی نسبت به رویدادهای صنف خودشان دارند و بهتر است که خود ما شرایطی فراهم کنیم که فضای نقد ایجاد شود.

او ادامه داد: این نقد می‌تواند جهت‌گیری‌های متفاوتی داشته باشد، مثلاً اینکه هیئت مدیره خانه موسیقی چه عملکردی دارند و چگونه کار می‌کنند، یا اینکه اعضای خانه موسیقی نسبت به وظایفی که در اساسنامه خانه موسیقی آمده است در چه وضعیتی قرار دارند، یک جریان نقد دیگر می‌شود نگاه ما به مدیریت موسیقی کشور که می‌تواند بخش مهمی از جریانات موسیقی کشور را رقم بزند.

در این نشست ابتدا محسن رجب‌پور (عضو هیئت مدیره) به برنامه کانون پژوهشگران خانه موسیقی اشاره کرد و گفت: قرار است در نشست با موضوع بررسی آسیب‌های موسیقی و آسیب‌شناسی در حوزه موسیقی پاپ که به همت کانون پژوهشگران برگزار می‌شود اواخر تیرماه در خانه هنرمندان حضور خواهیم داشت.

رئیس هیئت مدیره کانون ناشران ضمن دعوت از حاضران به این نشست توضیح داد: در حال حاضر ما با آسیب‌های جدی در حوزه موسیقی به دلیل ترویج موسیقی‌های غیر کاربردی در جامعه مواجه هستیم. از طرف دیگر، دخالت نهادهای غیرمسئول در حوزه موسیقی به گسترش این نابسامانی‌ها دامن زده است. به همین دلیل ما قصد داریم در اولین جلسه هم‌اندیشی به بررسی این آسیب‌ها بپردازیم. رجب‌پور درباره سخنرانان این جلسه گفت: امیرعباس ستایشگر (رئیس کانون پژوهشگران)، فردین خلعتبری (آهنگساز)، حسین گیائی (شاعر و ترانه‌سرا) و خودم به‌عنوان نماینده ناشران حوزه





بسیار تحت تاثیر آن قرار دارد؛ وزن‌های شعری، انواع نثر و ساختار نحوی زبان هم در حال تغییر است. یعنی زبانی که ما امروز با آن تکلم می‌کنیم دیگر مانند گذشته نیست.

او تاکید کرد: یکی از موضوعات نقد می‌تواند عملکرد خانه موسیقی نسبت به معرفت شنیداری جامعه باشد. یکی از رسانه‌هایی که بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری گوش مردم صدا و سیماست. باید دید این رسانه چه صدایی را به گوش مردم می‌رساند، چطور عمل می‌کند و مبلّغ چه نوع زبانی است. امروز ما می‌دانیم که این نحوه زبانی که تلویزیون مبلّغ آن است، زبان سیاسی است. حالا باید ببینیم از این بذر زبان سیاسی می‌خواهیم در نسل فردا چه چیزی درو کنیم؟!

اردلان ادامه داد: در حقیقت می‌خواهم از شما دعوت کنم، در این نشست‌ها پژوهشگران و موسیقیدانان حضور پیدا کنند و این درجه نقد را از گرایش‌های سیاسی در خانه موسیقی ایران به سمت نگاه بنیادین معطوف کنیم. تا متوجه شویم که چه اتفاقی برای گوش ایرانی و به ویژه نسل‌های جوان در آینده اتفاق خواهد افتاد. یادی از هنرمندان موسیقی که در دوران کرونا از میان ما رفتند، نیز بخش دیگری از این برنامه بود.

در ادامه این نشست، آریا قریشی، نوازنده گیتار از شاگردان محسن محترمی به اجرای دو قطعه کلاسیک پرداخت. در بخشی دیگر آرش بنی حسینی، نوازنده تنبک و وحید فیض آبادی، ویولونیست به اجرای موسیقی پرداختند و همچنین مهدی بهبودی و فائزه بختیار قطعه «سنگین‌تر از هوا» ساخته الوین لوسیر را برای حاضران اجرا کردند.

این نشست در حالی برگزار شد که آخرین نشست ماهیانه در بهمن ماه ۱۳۹۸ برمی‌گردد و پس از آن به دلیل شیوع ویروس کرونا تمامی نشست‌ها و برنامه‌های فرهنگی لغو شد.

نشست‌های ماهیانه خانه موسیقی بطور مستمر از سال ۱۳۸۹ در یکشنبه‌های آخر هر ماه برگزار شد که با اجراهای موسیقی، اجرای پیشکسوتان موسیقی، معرفی استعدادها، جوان، معرفی تازه‌های کتاب و آلبوم و موسیقی مناسبتی همراه بود.

اردلان اشاره کرد: باز نگاه منتقدانه دیگر یا حتی پژوهشگرانه دیگر می‌تواند با این سؤال شروع شود که نسل جوان در دهه‌های آینده چه گوشی خواهند داشت. چیزی که ما تحت عنوان موسیقی می‌شناسیم یکی از مفاهیم معرفت شنیداری است و باید ببینیم که در نسل جوان چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد. همه این موارد می‌توانند موضوع نقد باشند. اینکه ما به عنوان دست‌اندرکاران موسیقی چه نگاه یا ادراکی از گوش آینده کشور ایران و جهان داریم.

او درباره اشاره‌اش به واژه «گوش» گفت: اینکه می‌گوییم «گوش»، گوش عضوی است که ما با آن صدا می‌شنویم، در واقع ما یکسری صدا می‌شنویم که در تعریفی به آن موسیقی می‌گویند. در دوره جدید به آن تعاریف کلاسیک، تعاریف جدیدی اضافه شده است. بسیاری از جریان‌های موسیقی امروز پافراتر گذاشته‌اند و درباره مسائل بنیادی‌تری پرسش مطرح می‌کنند؛ اینکه اساساً صدا چیست یا موسیقی چیست یا موسیقیدان چه کسی است، این سؤالاتی است که افق جدید را به ما نشان می‌دهد. تا درک کنیم صدا در جهان به چه سمت‌وسویی می‌رود.

این عضو هیئت مدیره خانه موسیقی با بیان اینکه ممکن است این بحثی که با شما مطرح می‌کنم در حیطه موسیقی قرار نگیرد، توضیح داد: حتی مساله خود زبان که موسیقی سنتی ایرانی



# بانوی موسیقیدان



تصمیم به آموزش گرفتم. شرایط بسیار دشوارتر از آن چه می‌پنداشتم بود. داشته‌های ما، جزوه‌ی ۳-۴ صفحه‌ای از بانو شبدا قره داغی و پیشنهاد اجرای ۳-۴ ملودی که در سال‌های قبل از انقلاب در کانون‌های پرورش فکری کودکان کار می‌شدند بود. نگاه من به پدیده‌ی آموزش، نگاهی هدف‌مند و قانون‌مند بود. همان نگاهی که به موسیقی بزرگسالان و مقوله‌ی رهبری ارکستر داشتیم. کار با بزرگسالان از جهتی راحت‌تر بود، چرا که ساز را می‌شد تهیه کرد، کتاب‌های آموزشی (هرچند محدود) موجود بود، مدرس، حتی اگر از پداگوژی سررشته‌ای نداشت، آموزش ساز را، با کپی روش تدریس استادانش، به سرانجام می‌رساند.

درباره‌ی کودک موضوع بسیار پیچیده‌تر بود. کمبود ساز، کتاب، روش تدریس، طرح درس، استاد، راهنما و... دستان را بسته بود. برای مدتی کتاب‌های شول‌ورک کارل ارف را مرجع آموزشی قرار دادیم. قطعات کتاب‌ها، گرچه در آموزش یاری‌گرمان بودند، اما برای کودکی با فرهنگ ایرانی، در شرایط زیستی پس از انقلاب و جنگ ۸ ساله، بدون در نظر گرفتن فرهنگ بومی‌اش، بسیار بیگانه می‌نمود. به عبارت دیگر، بخش علمی آموزش تا حدودی تأمین می‌شد، ولی هم‌چنان بخش مهم و تأثیرگذار "هنری" را کم داشت. تصمیم به استفاده از قطعات فولکلور گرفتم. امکان ترانه‌سرایی بر روی ملودی‌های فولکلور، آرام آرام رپرتوار تمرینی و اجرایی‌مان را غنی‌تر می‌کردند. در کار با هر گروه جدید کودک، قطعات دیگری به رپرتوار می‌افزودم. ارکسترهای متعدد کودک را رهبری می‌کردم و با نگاه کلاسیک و علمی، قطعات را به صورت چندصدایی، برای ارکستر کودکان تنظیم می‌کردم.

در این شرایط، جریان مخربی در موسیقی کودک در حال شکل‌گیری بود. این جریان که کودک را منبعی برای درآمد می‌دید، با فریب افکار عمومی و با تجملی کردن و بی‌محتوا کردن موسیقی کودک از هدف و رسالتش، آن را به عرصه‌ی درآمدزایی

نزهد امیری، مدرس، پژوهشگر و رهبر ارکستر از جمله موسیقیدانانی ایرانی است که با عشق و اشتیاق عمرش را در حوزه آموزش موسیقی صرف کرده است.

در باره اوضاع و احوال آموزش موسیقی و آسیب‌ها، نواقص، کمبودها و... حوزه آموزش موسیقی بویژه در زمینه موسیقی کودک و مسائل مختلف این حوزه گفتگوی مفصلی با خانم امیری انجام دادیم که متأسفانه به این شماره فصلنامه نرسید و در شماره آینده مشرح آن ارائه خواهد شد.

در اینجا به منظور آشنایی با این هنرمند پر تلاش، نوشته‌ای را به قلم وی می‌آوریم:

با آغاز انقلاب، موسیقی را آغاز کردم. گرایش من رهبری ارکستر و ساز مورد علاقه‌ام ویلن بود. به دلیل نداشتن بودجه‌ی کافی ناچار به خرید سه‌تار شدم. دست تقدیر استاد پرویز منصوری را بر سر راه من قرار داد. چند جلسه‌ای که از کلاس تئوری موسیقی من گذشت، استاد مرا به ادامه‌ی جدی موسیقی ترغیب کردند. عشق بی‌پایان به موسیقی و حمایت بی‌دریغ استاد، مرا از سردرگمی در کورمه‌راه‌های آموزش محافظت می‌کرد. تئوری و سلفژ، هارمونی، کنترپوان و سازشناسی را از روی دست‌نوشته‌ها و فتوکپی‌های با کیفیت پایین "کتاب‌های چاپ نشده‌ی استاد" آموختم. اوایل امکان دیدن و بعدها امکان رهبری آنسامبل‌های کوچکی را که تدارک می‌دیدند، پیدا کردم و با نظارت استاد، قطعاتی را برای آنسامبل غیر استاندردمان تنظیم کردم. هم‌زمان ساز سه‌تار را نزد استاد "فرخ مظهری" در مؤسسه‌ی فرهنگی هنری چاووش آغاز کردم.

در سال ۱۳۶۷ یعنی زمانی که تجربه‌ی ۱۰ سال فعالیت موسیقی داشتیم، در رشته‌ی موسیقی دانشکده‌ی هنرهای زیبا پذیرفته شدم. (دانشگاه سال ۶۸ افتتاح شد). حضور مداوم (به عنوان بیننده) در تمرین‌های ارکستر سمفونیک و تجربه‌ی پارتیتورخوانی با ارکستر زنده - به سبب گرایشم به رهبری ارکستر - از یک طرف و حضور در کلاس‌های دانشگاه و فعالیت‌های پژوهشی درباره‌ی موسیقی ایران از طرف دیگر، به کلاس‌هایم با استاد منصوری اضافه شده بود. نیاز به زمان و مطالعه و برنامه‌ریزی دقیقی داشتم. اینک مادر ۲ فرزند نیز بودم!

در چنین شرایطی، به همراه چندتن از دوستانم، آموزش موسیقی به کودکان را به پیشنهاد استاد شریف لطفی در مهدکودکی آغاز کردیم. ایشان به ما یادآوری کردند که آموزش موسیقی به کودکان بایستی به اولویت اول موسیقی‌دانان تبدیل شود، چرا که بر اثر ده سال تعطیلی اجباری، همه‌ی بنیان‌های موسیقی آسیب دیده، تنها در این صورت، بازسازی صحیح موسیقی و جبران خسارات، امکان‌پذیر می‌بود.

به این ترتیب وارد عرصه‌ی آموزش موسیقی کودک شدم. با وجود مسئولیت سنگین و فقر مطلق علمی و نبود منابع معتبر،

"متد ارف"، جایگزین هر نوع "کلاس موسیقی کودک" شد. در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ که با نام انقلاب فرهنگی، آموزش موسیقی به تعطیلی کشیده شده بود، سازهای کانون جمع‌آوری و از دسترس موسیقی‌دانان واقعی خارج شدند. پس از وقفه‌ای ده ساله، درست‌ترین کار، از سرگیری و ادامه‌ی راه این موسیقی‌دانان متعهد و آگاه به نظر می‌رسید.

از دید من، موسیقی کودک نمی‌بایست تک صدایی باشد. این موسیقی باید با سازبندی درست و ارکستراسیونی درخور، با تکیه بر علم روز جهان و آثار فولکلور ایرانی به صورت کامل به کودک ارائه می‌شد. تردید دیگر من، انتخاب شیوه‌ی هارمونیزه کردن قطعات بود. از کدام هارمونی بایستی استفاده می‌کردم؟ هارمونی حنا؟ هارمونی کلاسیک قرن ۱۸ اروپا؟ هارمونی مدرن؟ آیا بهتر نبود که (به پیشنهاد برخی استادان)، تنها از کنترپوان بهره می‌گرفتم؟ و... با تمام قدرت، با مشکلات مقابله می‌کردم. کار پیش می‌رفت، اما تردیدهای همیشگی و هزاران سؤال بی‌جواب، در کنار سنگ‌اندازی‌های آگاهانه و ناآگاهانه، بر شانه‌های من سنگینی می‌کرد. با مطالعات بیشتر و با مشورت با استادان مختلف، به خصوص استاد پرویز منصوری، برای هارمونیزه کردن قطعات، با استفاده از قانون اکوستیک و هارمونیک‌های فرعی استفاده کردم. به این ترتیب دلیل علمی قانع‌کننده‌ی پیدا کردم. برای لذت‌بخش کردن کارها و نیز وفادارماندن به آرمان دیگرم، یعنی "تکیه بر فرهنگ کهن ایرانی و موسیقی‌های مناطق مختلف میهنم"، از قطعات فولکلور استفاده کردم. آرام آرام به جمع‌بندی می‌رسیدم: استفاده از ترانه‌های فولکلور، استفاده از هارمونی اکوستیک، تنظیم برای ارکستر ارف به همراه ساز میهمان، طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی بر بستر دستاوردهای جهانی موسیقی و بیان هنری موسیقی ملی کشورم.

هم زمان با تنظیم و اجرای چندصدایی قطعات فولکلور، برای رفع مشکلات اجرایی بلز و فلوت، بالا بردن تکنیک و ایجاد انگیزه و لذت بردن کودک از لحظات آموزش، اتودها و ترانه‌هایی را طراحی کردم. اشعار این اتودها و ترانه‌ها و نیز تمامی ترانه‌های فولکلور انتخابی‌مان را شاعر و نویسنده‌ی توانای کودک و نوجوان، "مسعود عاشوری"، با رعایت دقیق اصول تلفیق شعروموسیقی و با لطافت و ذوقی سرشار سرودند.

برای بالاتر بردن مهارت نت خوانی، صداها اتود را با رعایت ترتیب آموزشی، از ساده به پیچیده و براساس موضوع درس و روند علمی نگارش کردم. ۳ مجلد "سرمشق‌های موسیقی ۱-۲-۳" را به سازهای کوبه‌ای ریتمیک و ملودیک ارف و ۲ مجلد "آموزش فلوت ریکوردر ۱-۲" را به آموزش فلوت اختصاص دادم. به این ترتیب "متد جامع آموزش موسیقی کودک" متولد شد. هدف من از آموزش، تربیت کودک اندیشمند بود. می‌خواستم به کودک بیاموزم که چگونه بیاندیشد، چگونه ببیند، چگونه بشنود، چگونه بخواند و چگونه بنوازد. تلاش ۳۰ ساله‌ی من دستاوردی این‌چنینی در بر داشت. امید بسیار دارم که این نخستین گام را درست برداشته باشم.



بزرگی تبدیل کرد و آسیب بسیاری به روند آموزش جدی و هدف‌مند هنری زد. مقابله با این مشکل جدید که رنگ و لعاب زیبایی به آن زده شده بود، دغدغه‌ی جدیدی برای ما ایجاد کرد. مسئولیت‌های مان به قدری زیاد بودند که فرصتی برای مقابله با این مورد نداشتیم. قضاوت را به آیندگان واگذار کردیم!

استادانی که به حکم رسالتشان می‌بایست ما را در این تنگناهای تاریخی راهنمایی و هدایت کنند، (دره‌ردو گرایش)، بدون احساس مسئولیت نسبت به کودکان و نسل آینده و بدون آن که راه و چاه را به ما بیاموزند، با تحقیر و تحکم، ما را به جرم آن که به گروه مخالف تعلق داریم، از خود می‌رانند. آیا فقط یکی از این مشکلات برای کناره‌گیری از این مسئولیت بزرگ کافی نبود؟ همان کاری که دیگران کردند...

مشکل دیگر ما "محدودیت ابزارهای آموزشی" بود. هر سازی که استفاده می‌کردیم، تحمیل‌کننده‌ی مسیر آینده‌ی ما (به درست یا غلط) بود. همان دوگانگی انتخاب نوع موسیقی، اینک نیز گریبان ما را گرفته بود.

دو انتخاب در پیش رو داشتیم:

۱- آموزش ساز بزرگسالان به کودک، پس از ساده کردن مطالب درسی و هدایت کودک در مسیر آموزش ساز با سیستم قدیمی و به کمک کتاب‌های موجود. برخی از هنرمندان این راه را در پیش گرفتند. (من هم تجارب خوبی در این عرصه اندوختم). سازهای ایرانی در سایزهای کوچک ساخته و سازهای غیر ایرانی به کشورمان وارد شدند. کتاب‌های جدیدی برای کودک نگارش شدند که متأسفانه پس از چند دهه، به علت نبود ساختار و نگاه صحیح متدولوژیک، آرام آرام از دور خارج شدند. (برخی از آن‌ها هنوز هم از سر ناچاری استفاده می‌شوند) به جرأت باید گفت که در این عرصه (نگارش متد) تا به امروز هیچ پیشرفتی حاصل نشده‌است.

۲- استفاده از سازهای کودکان

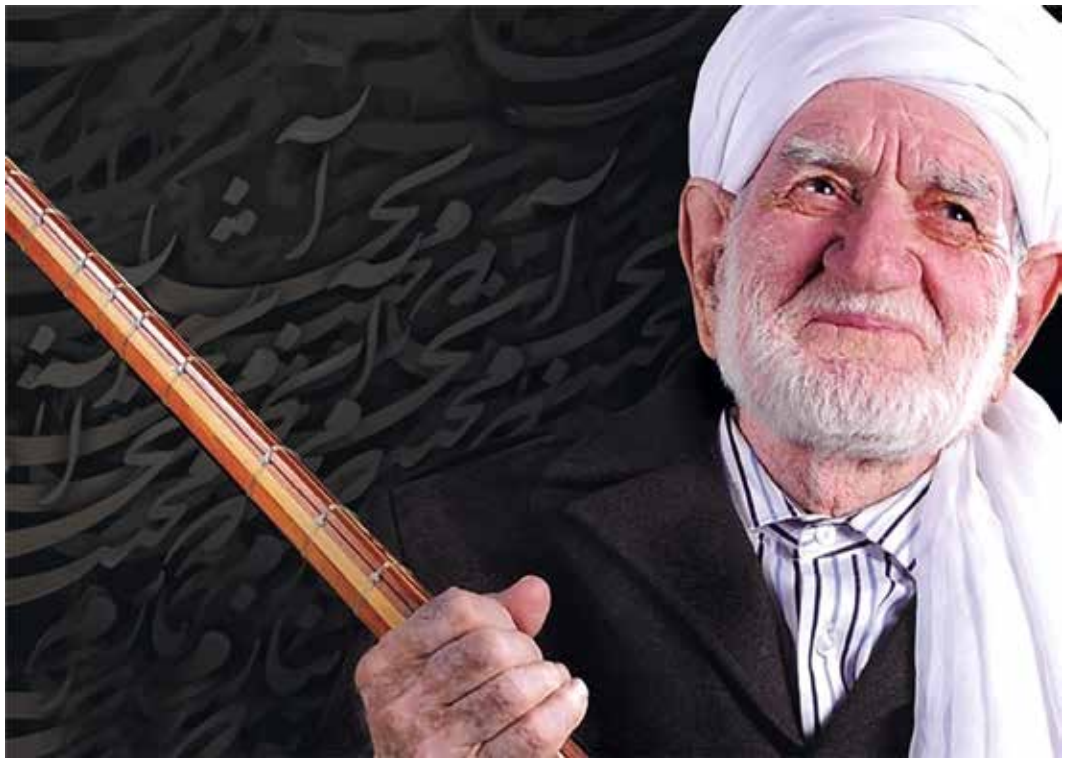
در حدود یک دهه قبل از انقلاب، کانون پرورش فکری کودکان برای کلاس‌های موسیقی در سراسر کشور سازهای ارف خریداری کرد. برخی از بزرگان موسیقی، دوره‌هایی را برای آشنایی با "متد ارف" گذرانده و این سیستم را در کانون‌های پرورش فکری کودکان آموزش می‌دادند. (نمونه‌های صوتی از اجراهای آن‌زمان موجود است). به همین دلیل نام "ارف"، از آن زمان تا امروز، به اشتباه و بدون داشتن کوچک‌ترین اطلاع صحیح از





ایرج نعیمایی

## عثمان محمد پرست



چهارم آنکه هراستاد مسلمی می‌تواند و باید شاگردانی تربیت کند ولی ما از ایشان هیچ شاگردی سراغ نداریم و هیچ هنرجویی از ایشان تعلیم درس نگرفته است!

پنجم آنکه ساز دوتار خراسان بویژه خراسان جنوبی از ۷ تا ۹ پرده بیشتر ندارد در حالی که ساز ایشان برای اینکه بتواند ادای موسیقی ردیف را در بیاورد بیش از دو برابر پرده دارد.

ششم آنکه اینجانب بیش از ۱۵ سال ریاست انجمن موسیقی ایران را بعهدہ داشتم و دبیر جشنواره‌های موسیقی ذکر و ذاکرین و موسیقی نواحی بودم و جمع‌آوری و انتشار ۱۰۰ ساعت موسیقی نواحی ایران توسط اینجانب انجام گرفت با توجه به اینکه در این مجموعه از همه محققین و اساتید موسیقی نواحی ایران بهره‌مند شدیم نامی از ایشان نیست و..

متأسفانه این نوع شهرت عامیانه که ناشی از عوام زدگی علم و هنر است و با بهره‌گیری از روابط عمومی و نشریات زرد و رسانه‌های کم‌مایه رایج، ممکن است، این نوع شهرت را به غلط شاهدیم و گاه متأسفانه مجامع علمی ما هم تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد و بزرگانی چون سرور احمدی و حاج قربان سلیمانی و مرحوم یگانه، کمتر از اینان بنظر می‌آیند!

دریغ آمد درباب مرحوم عثمان محمد پرست چیزی ننویسم البته اگر بنا باشد حق مطلب بتمامی گفته شود حداقل نیاز به مقالتی تمام دارد ولیک به اشاره ناچارم چند نکته کوتاه را از باب تذکر اشاره کنم:

اول اینکه آن موسیقی که ایشان اجرا می‌کرد اصولاً مقامی و یا به تعبیری موسیقی نواحی نیست جز یکی از آنها که از مقام‌ها (نوایی) بود که آنهم براساس شنیده‌هایی که همه اهالی منطقه جنوب خراسان به آن آشنا هستند آواز در مقام است و بخش‌سازی آن کاملاً ناقص و خارج از اصول مقام است! برای تشخیص درست‌تر می‌توان به آثار اساتید گذشته مثل مرحوم نظر محمد و عبدالله سرور احمدی رجوع کرد...!

دوم آنکه تکنیک نواختن ایشان ردیفی است و نه مقامی و تمام سعی ایشان تقلید از نوازندگان ردیف موسیقی آوازی است که آنهم صرفاً سماعی است و اصولاً ایشان به ردیف و تکنیک نواختن آن بدرستی آشنا نبود برای همین تلاش می‌کرد با ارتباط و انتساب به مشاهیر موسیقی غیر مقامی مثل استاد شجریان کسب شهرت کند. سوم آنکه ایشان در هیچیک از جشنواره‌های تخصصی موسیقی مقامی نه به عنوان شرکت کننده و نه استاد مدعو؛ شرکت نکرد.





محمد رضا ممتاز واحد

## موسیقی، در قرنی که گذشت



خط نَت بین‌المللی، حتی فراگیری سنت رسمی موسیقی کلاسیک ایرانی یعنی ردیف موسیقی ملی که اساساً سنتی شفاهی است را در حالتی بینابین شفاهی - کتبی ملحوظ داشت.

پس از مشروطه که برگزاری کنسرت و گاردن‌پارتی‌ها رواج پیدا کرده بود، در دو دهه‌ی اول قرن ۱۴ خورشیدی با تشکیل ارکسترها و برگزاری کنسرت‌ها، تداوم بیشتری یافت. در این میان کافه‌ها و نایت‌کلاب‌ها نیز گسترش پیدا کردند و بالطبع موسیقی، بهترین خوراک این‌گونه مجامع و محافل بود. در این حین، حضور رسمی بانوان نه‌تنها در عرصه موسیقی که در بیشتر شئون اجتماعی را نیز، نیاستی از قلم انداخت. مشارکت بانوان در حوزه موسیقی، تغییر و تحولات بیشتری را در فضای موسیقی کشور منجر گردید که نهایتاً به‌گسترش موسیقی انجامید.

اما با افزایش ارتباطات در این بُرهه‌ی زمانی، ایران رسماً خود را وارد «عصر ارتباطات» کرد. شایان ذکر است در خصوص رسانه‌های جمعی، چند دهه‌ای بود که از عمر «مطبوعات» می‌گذشت ولی جامعه آن روزگار ایران در پی رسانه‌های نوین بود و همانا رسانه‌ی «رادیو» بهترین گزینه شد. ۴ اردیبهشت ۱۳۱۹ و در آخرین سال‌های حکومت رضاشاهی، رسانه رادیو افتتاح شد. جُدا از ابعاد و اهداف کلان متولیان و مسئولان این رسانه‌ی نوپا و از آنجا که بیش از نیمی از برنامه‌های رادیو، موسیقی بود و با توجه به‌فراگیری رادیو توده‌ها، موسیقی نیز هر چه بیشتر در لایه‌های اجتماع نفوذ یافت. همچنین در کنار رونق رسانه‌های نوشتاری (مطبوعات) و فزونی روزنامه‌ها و مجلات از حیث تعدد و تنوع، نخستین «مجله موسیقی»

سده‌ی پُرمسئله‌ی ۱۴ خورشیدی را از چند جهت بایستی مورد تعمیق و تدقیق قرار داد. «رضا میرپنج» که پیش‌تر سردار سپه بود، در سال ۱۳۰۲ به‌نخست‌وزیری ایران منصوب شد و در چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ به‌سلطنت رسید و تغییر حکومت را منجر گردید. پهلوی اول شاعر «ایران نوین» را در سر داشت و البته چندان شعارگونه نیز پیش نرفت و با طرح‌ریزی دوران جدید، آماده‌سازی لازم جهت جهش کشور از سال‌ها رکود و عقب‌ماندگی ناشی از بی‌کفایتی قاجاریان را به‌منصه‌ی عمل آورد. در این بُرهه، سرعت تحولات بسیار زیاد بود: گسترش نهادهای علمی، اعمال شیوه‌های نوین آموزشی، پیش به‌سوی هر چه بیشتر شهری شدن، مُدِرنیزاسیون گسترده آن‌هم در هم‌هی سطوح، افزایش ارتباطات (و به‌تعبیر بهتر، ورود به‌عصر ارتباطات)، بوروکراسی و دیوان‌سالاری جدید.

حال تعمیق مباحث فوق در حوزه‌ی موسیقی کشور حایز اهمیت است: تأسیس اداره کل موزیک در ارتش نوین به‌مدیریت «سالارمعزز (مین‌باشیان پدر)»، تأسیس مدرسه موسیقی در سال ۱۳۰۲ به‌اهتمام «علی‌نقی وزیری»، تأسیس مدرسه شهنازی توسط «علی‌اکبر شهنازی»، تشکیل ارکستر سمفونیک بلدیة در سال ۱۳۱۲ که «مین‌باشیان پسر» رهبری آن‌را برعهده داشت و سرانجام تأسیس اداره موسیقی کشور (وزارت فرهنگ) در سال ۱۳۱۷. این اتفاقات که در کمتر از دو دهه به‌وقوع پیوست، ساختار کهنه و قدیمی آموزش موسیقی در ایران را از مکتب و مکتب‌داری به‌سوی کلاس درس و مدرسه ارتقاء داد و به‌خصوص با ورود شخصیت تأثیرگذار قرن «علی‌نقی وزیری» و با تدوین رسمی تئوری موسیقی و نهادینه کردن



موسیقی ملی، تشکیل کلاس‌های موسیقی ملی و تربیت هنرآموز در این رشته اشاره کرد.

ساختار نظام جدید موسیقی ایرانی که در دوره‌ی قاجار چند نسل تکوینی و تکاملی را پشت سر گذاشته بود، بیش از پیش تثبیت گشت و به‌خصوص در عهد ناصری (ناصرالدین قاجار) و موسیقی دانان آن عصر از جمله «محمدصادق سرورالملک»، «میرزاعبدالله»، «میرزاحسینقلی»، «سماح حضور» و ... [به‌ویژه فرزندان «علی‌اکبر فراهانی» یعنی میرزاعبدالله و میرزاحسینقلی] به‌تدوین نهایی رسید. این سیر تکوینی و تکاملی تا اواخر دوران قاجار و توسط شخصیت آوانگارد و جریان‌سازی هم‌چون «درویش خان» - با ایجاز و اختصار ردیف موسیقی ملی - ادامه یافت. در دوره‌ی پهلوی اول [و سپس دوم] موسیقی‌دانانی چون «ابوالحسن صبا» (در رشته‌ی موسیقی سازی) و «سمعیل مهرتاش» (در رشته‌ی موسیقی آوازی) [جملگی از هنرجویان برتر درویش‌خان]، سنت اشاعه و انتقال این میراث هنری را تداوم بخشیدند و با ترجمان ردیف موسیقی ملی متناسب با روح زمانه و تمرکز بر وجوه کارکردی و کاربردی موسیقی دستگاهی، به‌بسط و گسترش هر چه بیشتر آن نایل آمدند. مدیریت کلان نهادهای آکادمیک که با حضور «علی‌نقی وزیری» شکل جدی به‌خود گرفته بود توسط هنرجویانش از جمله «روح‌الله خالقی» تداوم یافت و در نیمه اول دهه‌ی ۱۳۴۰ با حضور «نورعلی برومند» در «گروه موسیقی ایرانی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران» و در نیمه‌ی دوم دهه‌ی یاد شده با حضور «داریوش صفوت» و با تشکیل «مرکز حفظ و اشاعه موسیقی»، جریان و رهیافتی سنت‌گرایانه با نِهضت بازگشت به‌گذشته (سنت‌های موسیقی کلاسیک ایرانی) شکل گرفت.

برگزاری جشن هنر شیراز (از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ زیر نظر دفتر بانو «فرح‌دیبا» و با مدیریت «فرخ غفاری») از جمله اتفاقات و رُخدادهای فرهنگی کشور بود که موسیقی نیز در این میان، جایگاه ویژه‌ای داشت. این نکته نیز نایبستی مغفول بماند که رفاه و رونق

نیز در حدود سال ۱۳۱۷ انتشار یافت.

در حالی که جنگ جهانی گِیر دوم، اشغال کشور را توسط قوای متفقین به‌همراه داشت، در سوم شهریور ۱۳۲۰ رضاشاه تبعید و فرزندش «محمدرضا پهلوی» به‌سلطنت رسید. در دهه ۱۳۲۰ خورشیدی، رادیو هر چه بیشتر و بیشتر گسترش یافت و در حدود سال‌های ۱۳۲۶-۱۳۲۷ دستگاه‌های ضبط صوت وارد رادیو شد و از آن زمان، رادیو در کنار برنامه‌های زنده به‌سمت برنامه‌های تولیدی نیز گرایش پیدا کرد. تحول ضبط صدا هر روز متحول می‌شد و حامل‌های صوتی جدید وارد بازار ایران می‌شدند. با روی کار آمدن دولت دکتر «محمد مصدق»، التهاپات ایران پُر آشوب بعد از اشغال تا حدی فروکش کرد و با ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، ایران، آماده‌ی تغییر و تحولات سال ۱۳۳۰ و سال‌های بعدی دهه‌ی پیش‌رو شد.

آرمان‌ها و اهداف ناکام‌مانده از انقلاب مشروطه با دولت دکتر مصدق و جبهه ملی ایران قوت گرفت ولی با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، رشته‌ی تمام امیدها گسسته شد. غمی عجیب و حزنی عمیق، ایران آن روزگار را دربرگرفت و متولیان هنری آن عصر سعی در آرام‌سازی جامعه با تزریق آرام‌بخش هنر (از جمله شعر و موسیقی و غیره) را داشتند. برنامه‌ی «موسیقی ایرانی» و به‌ویژه برنامه‌ی «گل‌ها» در رادیو ایران و همچنین سینمای آن دوران و میل به‌لختی و بی‌غمی و سرخوشی، گویا علاج روحیه‌ی جمعی وامانده و جامانده از مشروطه‌خواهی و ملی‌گرایی بود. البته لازم به‌توضیح است که در برنامه‌های یادشده و اساساً در فضای هنری آن روزگاران، هنر [و موسیقی] تفکری و جدی نیز جایگاه خود را داشت ولی براساس اسناد و مدارک موجود، هنر - و موسیقی - مصرفی همیشه‌سیاست‌زده و تحت امر حُکام، توسط متولیان و مسئولان فرهنگی، هنری و رسانه‌ای کشور به‌گونه‌ای پیش رفت که بعد سرگرم‌کننده و غفلت‌آمیز آن بر ابعاد بیدارکننده و تأمل‌برانگیزش، فزونی یابد. این مهم نه تنها در عصر مذکور که در دیگر ادوار موسیقی قرن (البته با توجه به‌اقتضائات و شئونات هر عصر)، معمول بوده است.

با گسترش رسانه‌ی رادیو، مسئولان و متولیان رسانه‌ی مذکور بر آن شدند که نسبت به‌تهیه و تولید برنامه‌های بالاستقلال موسیقی نیز همت نمایند و برنامه‌ی «موسیقی ایرانی» و سلسله برنامه‌های «گل‌ها»ی رادیو ایران از جمله مهم‌ترین این‌گونه برنامه‌های موسیقایی بود. به‌ویژه برنامه‌ی گل‌ها که در مدت زمان پخش حدوداً بیست‌وسه ساله‌ی خود، به‌نوعی رنسانسی ادبی-هنری را موجد و موجب گشت. در این برهه، سازوکار اداری سازمان‌ها و ارگان‌های فرهنگی-هنری کشور نیز گسترش یافت. اداره کل هنرهای زیبای کشور که در سال ۱۳۲۹ تأسیس گشته بود از وزارت فرهنگ جدا و تابع نخست وزیری شد. به‌تبع آن، «اداره موسیقی کشور» زیرمجموعه‌ی وزارت فرهنگ، «اداره هنرهای ملی» زیرمجموعه‌ی وزارت اقتصاد و منابع و «دانشکده هنرهای زیبا» زیرمجموعه‌ی دانشگاه تهران گردید. در سال ۱۳۴۳ «وزارت فرهنگ و هنر» مستقلاً ادغام و در قامت وزارتخانه‌ای جدید ظاهر شد و از جمله خدمات سودمند وزارتخانه‌ی مذکور می‌توان به‌انتشار کتاب ردیف



به‌استثنای اقلیتی از آثار موسیقی و هنرمندان آن - موسیقی‌ای مبتذل می‌پندارد و معتقد است در این دوران، الگوی موسیقی از بزرگانی چون "علی‌نقی وزیری"، "روح‌الله خالقی" و «جواد معروفی» به‌افرادی تنزل یافت که نهایتاً ابتذال شنیداری را موجد و موجب گشتند. دهمی، این از هم‌گسستگی بنیان‌های فرهنگی و هنری در سال‌های ۱۳۵۰ - ۱۳۵۷ را در تمامی زنجیره‌ی مشاغل وابسته به‌صنعت موسیقی - حتی تهیه‌کنندگی این حوزه - وارد می‌داند. ۱. به‌خصوص که در مقطع زمانی اواسط دهه ۱۳۴۰ و بالاخص در دهه ۱۳۵۰، مدیران نایت کلاب‌ها نیز در خط‌دهی جریانی و رسانه‌ای موسیقی، بسیار نافذ و مؤثر ظاهر شدند.

شاخص مجاهدت‌های فرهنگی - موسیقایی موسیقی‌دانان درخصوص موسیقی انقلابی، مربوط به "مؤسسه فرهنگی - هنری چاووش" بود. با آمیختگی گروه‌های موسیقی "شیدا" و "عارف" نطفه‌ی چاووش در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ بسته شد. البته هنرمندان دیگری هم بودند که به‌صورت خودجوش نسبت به‌ساخت و اجرای سرودهای انقلابی اهتمام داشتند که اغلب در آن دوران، کم‌نام و یا گم‌نام بودند. اوج فعالیت‌های مبارزاتی موسیقی‌دانان معترض و انقلابی از ۲۶ دی ۱۳۵۷ (یعنی تاریخ ترک ایران توسط محمدرضا پهلوی) به‌بعد بود.

بعد از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، فعالیت‌های جسته‌گریخته‌ی موسیقی‌دانان تداوم داشت تا این که حکومت نوپای آن زمان، با رویکردی سلبی با موسیقی مواجه شد. نقل قولی از آیت‌الله «روح‌الله خمینی» در دست است که او از موسیقی به‌عنوان "مخدر" تعبیر می‌کند که البته به‌تعبیر برخی از پژوهشگران، این تعبیر آقای خمینی در جلسه‌ی دیدار ایشان در قم با کارکنان "رادیو دریا" سابق - به‌تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۵۸ - و با توجه به‌شرایط شهرهای شمالی ایران به‌ویژه سواحل دریایی آن اطلاق و عنوان گردیده بود. این اظهارنظر امام خمینی گویا فتوای فقهی او نبود و با منظور نظر داشتن تحول تاریخی و زمانی آرای فقهاء، می‌توان به‌فتوای وی در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۶۷ اشاره داشت که در جای خود به‌آن

اقتصادی ایجاد شده به‌ویژه در قشر متوسط جامعه در عصر پهلوی دوم، سه‌میه‌ی مشخصی را برای خرید محصولات فرهنگی در سبد خانوارها گنجانده بود. تلویزیون که از ۱۱ مهر ۱۳۳۷ با تصویب چهار تبصره‌ی مجلس شورای ملی و به‌اهتمام "حبیب‌الله ثابت" (سرمایه‌گذار بخش خصوصی) کارش را آغاز کرده بود، در سال ۱۳۴۶ رسماً و به‌نام تلویزیون ملی ایران کارش را ادامه داد و بعدها با ادغام با رادیو، "سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران" نام گرفت. مدیریت این رسانه از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷ به‌عهده "عبدالرضا قطبی" بود.

رادیو و به‌ویژه برنامه‌ی گل‌ها نیز که پس از رفتن "تصرت‌الله معینان" و "داود پیرنیا" از رادیو و گل‌ها، روال و رونق سابقش را نداشت تحت مدیریت قطبی قرار گرفت و "هوشنگ ابتهاج" در سال ۱۳۵۱ مسئولیت گل‌های تازه را برعهده گرفت و پس از آن دایره‌ی مسئولیتش وسیع‌تر شد. گل‌های تازه، برآیند دو جریان پیش‌تر اشاره شده در دهه ۱۳۴۰ واقع گشت که نورعلی برومند و داریوش صفوت سردمدار آن بودند و گل‌های تازه، تریبون رسانه‌ای اندیشه‌های هنری دو جریان یاد شده بود. از بارزترین هنرمندان این دوره می‌توان به «محمدرضا شجریان» و «محمدرضا لطفی» اشاره داشت. این نکته نیز ناگفته نماند که آرا و نظرات هنری این دوران - تا حدی - با اندیشه‌های سیاسی حزب توده ممزوج شد.

در سال‌های ۱۳۵۰ و به‌دلیل افزایش جمعیت و از آنجا که قشر متوسط جامعه ایران (مشکل از "سنی" و "جدید") از تجانس لازم برخوردار نبود، شکاف طبقاتی بیشتری با طبقه محروم (پرولناریا) ایجاد شد و در این میان "طبقه‌ی متوسط سنی" - با سرمداری آخوندها و بازاریان - به‌طبقه محروم پیوستند و قدرت طبقه یادشده بیشتر شد. این تحرک اعتراضی که بارقه‌هایش از سال ۱۳۴۲ آغاز شده بود در سال‌های ۱۳۵۶ و سپس ۱۳۵۷ به‌اوج خود رسید. موسیقی که همواره هم‌دوشی و یاری‌گری‌اش را با جنبش‌های مردمی ثابت کرده بود در این حین نیز هم‌گام و هم‌سو شد. «فرید اسدی‌دهدزی» مورخ و مفسر در حوزه جامعه‌شناسی اجتماعی و سیاسی تاریخ معاصر، موسیقی دهه‌ی ۱۳۵۰ خورشیدی را - البته

و سازندگی ویرانی‌ها و عقب‌ماندگی‌های بعد از جنگ برآمد و البته عرصه فرهنگ، هنر و موسیقی نیز تکان‌های محسوس‌تری خورد. البته در این دوران، موسیقی در رسانه‌های جمعی نیز قدری پُررنگ‌تر شد به‌خصوص موسیقی پاپ نوپای اوایل دهه‌ی ۱۳۷۰ که حرکتی روبه‌جلو بود.

دولت "اصلاحات" (۱۳۷۶-۱۳۸۴) که با شعار اصلاحات به‌سر کار آمد، آراء و نظرات فرهنگی را محترم می‌شمرد. رونق بی‌سابقه‌ی مطبوعات و افزایش مجوز انتشار آلبوم‌های موسیقی و برگزاری کنسرت‌ها از اهم رخدادهای این دوران هشت ساله بود. «خانه موسیقی ایران»، به‌عنوان شناخته‌شده‌ترین نهاد صنفی موسیقی و موسیقی‌دانان در این برهه‌ی زمانی تأسیس شد و گویا ساختمان خیابان فاطمی این نهاد صنفی نیز با کمک رئیس‌جمهور وقت دولت اصلاحات، خریداری گردید.

دولت "بهار" (۱۳۸۴-۱۳۹۲) اتفاق ویژه‌ای را در موسیقی رقم نزد. مطبوعات و جراید روزبه‌روز تعطیل و بسته شدند و وزارت فرهنگ متبوع این دولت نیز عنایتی به‌موسیقی و موسیقی‌دانان نداشت. ممنوع‌الفعالیتی بسیاری از شخصیت‌های مطرح موسیقی کشور در این دوران رقم خورد و این مهم در سال ۱۳۸۸ به‌وج خود رسید. اوضاع معیشتی و اقتصادی نسبتاً پایدار جامعه در دولت‌های سازندگی و اصلاحات، در دولت بهار به‌آشفته‌گی و ناپایداری انجامید و رونق نسبی فرهنگ، هنر و موسیقی نیز نه‌تنها به‌بهار نیانجامید که رنگ خزان، به‌خود گرفت. اوضاع نه‌چندان مناسب معیشتی و فرهنگی این دوران خود را آماده‌ی تدبیر آفرینی و امیدبخشی دولت بعدی می‌کرد!

علی‌رغم وعده و وعیدهای کاندیدای مدعی دولت "تدبیر و امید" (۱۳۹۲-۱۴۰۰) و حمایت‌های آشکار و نهان و ابراز علاقه‌اش به‌موسیقی کلاسیک ایرانی به‌ویژه یکی از مطرح‌ترین شخصیت‌های این موسیقی، ولی عملاً در ساحت موسیقی کشور نه‌تدبیری رقم خورد و نه‌امیدی جامعه‌ی موسیقی را فراگرفت. مجوزهای صادره‌ی وزارت فرهنگ این دولت درخصوص برگزاری کنسرت‌ها توسط نیروهای امنیتی و عقیدتی باطل می‌شد و آسفاب‌تر این که به‌روی صحنه آمدن بانوان نوازنده نیز - در مقطعی - ممنوع شد. این بی‌حرمتی به‌بانوان نوازنده، یادآور سلب حقوق رسمی بانوان

خواهیم پرداخت. این موضوعی انکارناپذیر است که تحولات قدرت سیاسی، تأثیرگذاری بر عرصه‌های کلان اجتماعی و فرهنگی را نیز در پی خواهد داشت.

با توجه به‌دگماتیسیم پنداری و رفتاری رژیم حاکمه در سال‌های نخست تسلطش درخصوص موسیقی، ایران آن ایام با دو اتفاق و رُخداد بسیار مهم مواجه شد. نخست «انقلاب فرهنگی» که اول اردیبهشت ۱۳۵۹ آغاز شد و نهایتاً در ۱۹ آذر ۱۳۶۳ به‌تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی منجر گردید و دیگری «جنگ ایران و عراق» بود که گویا برخلاف "حمیلی" نامیدش، با تحریک ملت عراق توسط رادیوهای جمهوری اسلامی در کشور عراق و به‌تبع آن خشم «صدام حسین» به‌وقوع پیوست. ایستایی حوزه فرهنگ در آن بازه‌ی زمانی و تحقق انقلاب فرهنگی و بسته شدن دانشگاه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین عرصه‌های جنبش فرهنگی و پس از پنج ماه یعنی ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز جنگ ایران و عراق، فعالیت‌های موسیقی را با رکودی جدی روبه‌رو ساخت. دوران سختی که حمل ساز بدون داشتن مجوز به‌مثابه‌ی حمل آلت قتاله و به‌عنوان جرم تلقی می‌شد. هرچند ایران پُرغصه‌مان بسیار از این نشیب‌وفرازهای اغلب پُرنشیب را تجربه کرده بود ولی در دوران یاد شده که به‌دنبال چند دهه پُرونقی پیشین موسیقی، اصناف وابسته به‌موسیقی شکل گرفته بودند، فعالان جامعه‌ی موسیقی کشور را با مشکلات عدیده‌ی شغلی و اقتصادی دست به‌گریبان ساخت. این گرفت‌و‌گیرها تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشت.

در ۱۹ شهریور ۱۳۶۷، امام خمینی فتوای خود را درخصوص موسیقی و ساز و آلات آن اعلام کرد که در محافل درون‌جامعه‌ای روحانیون آن روزگار، بازتاب‌های بسیاری داشت. توافق و امضای قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ و پایان جنگ هشت‌ساله‌ی ایران و عراق و ثبات نسبی بعد از انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها خصوصاً آغاز به‌کار دانشکده‌های موسیقی کشور، تا حدی نشوونمایی را در فضای موسیقی آن دوران رقم زد.

دولت‌های "سازندگی"، "اصلاحات"، "بهار" و "تدبیر و امید" که مجموعاً ۳۲ سال زمام دولت را در دست داشتند، تقریباً دو سوم مقطع زمانی ۱۳۵۷-۱۴۰۰ را در برمی‌گیرند. دولت "سازندگی" (۱۳۶۸-۱۳۷۶)، همان‌طور که از نامش پیداست درصد آبدانی





خواننده در اوایل ۱۳۵۷ بود که مؤید و مبرهن تبعیض جنسیتی در این خصوص بوده و هست.

در دولت موسوم به "دولت مردمی، ایران قوی" که کارش را از سال ۱۴۰۰ آغاز کرده است نیز (البته تا زمان نگارش نوشتار حاضر)، حرکت روبه‌جلو و یا تعیین‌کننده و سازنده‌ای در خصوص موسیقی، دیده و شنیده نشده و لاقلاً این امید می‌رود که امور موسیقی کشور به‌جای پیش‌رفت، به‌ورطه‌ی پس‌رفت و قهقرای چهار دهه‌ی پیش دچار نگردد.

از مدیران سازمان موسوم به «صدا و سیما» از بدو بهمین ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱، می‌توان به‌افراد ذیل اشاره کرد: «صادق قطب‌زاده»، شورای پنج نفره، شورای سه نفره، تقی فراچی، محمد مبلغی‌اسلامی، سیدعلی اکبر محتشمی‌پور، عبدالله نوری، علی لاریجانی، محمد هاشمی‌رفسنجانی، محمدجواد لاریجانی، «محمد هاشمی‌رفسنجانی»، «علی لاریجانی»، «سیدعزت‌الله ضرغامی»، محمد سرافراز، «عبدالملی علی‌عسگری» و «پیمان جبلی». هیچ تفاوت فاحشی در سازوکار مدیریتی نامبردگان در جهت‌اشاعه‌ی موسیقی (خاصه، موسیقی کلاسیک ایرانی) مشهود نبوده و نیست و اگر در مقام قیاس برآییم، عملکرد کلی «رادبو (صدا)» نسبت به‌موسیقی از رویکرد «تلویزیون (سیما)»، بهتر و مفیدتر ارزیابی می‌شود.

### نتیجه‌گیری

قرن چهاردهم خورشیدی از این جهت سده‌ای پُرمسأله عنوان شد که رویدادها و رخدادهایی که از حیث اجتماعی و فرهنگی در آن روی داد، با قرون پیش از آن بسیار متفاوت بود. قرن ۱۳۰۱-۱۴۰۱، سه حکومت به‌خودش دید: قاجاریه، پهلوی و جمهوری اسلامی. چنان‌چه پیش‌تر هم اشاره شد با به‌روزی کار آمدن هر دولت و قدرت سیاسی، بُنیادهای اجتماعی و بالخصوص سازوکار فرهنگی (و هنری) دچار دگرگونی و تغییر و تحول می‌شود. همان‌طور که در نوشتار پیش‌رو (به‌صورت تاریخچه‌ای موجز و مختصر) هم بر آن اشارت رفت، در تمامی مقاطع زمانی حکومت‌های یادشده، اوضاع و احوال موسیقی مختص به‌شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بوده

و به‌نوعی آن را می‌توان آینه‌ی تمام‌نمای جامعه توصیف کرد. ناگفته نماند از همان دهه‌ی ۱۳۱۰، نخستین قوانین و مقررات نظارت بر تهیه و تولید آثار موسیقی - و به‌عبارت شفاف‌تر، «سانسور» - تدوین و در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۰۷، این نظام‌نامه در ۵ ماده به‌امضاء و تصویب هیئت وزیران رسید. «بهروز مبصری» دیسکوگراف و پژوهشگر موسیقی، سر‌تیپ «محمد درگاهی» که ریاست کل تشکیلات نظمیه‌ی مملکتی آن زمان را برعهده داشت را مسؤل و عامل این اقدام می‌داند و جالب آن‌که، این قانون‌نامه‌ی ۵ ماده‌ای از سال ۱۳۰۷ تا سال نگارش این نوشتار (یعنی سال ۱۴۰۱) برای تهیه، تولید، ضبط و اجراهای صحنه‌ای موسیقی توسط ادارات و ارگان‌های ذیربط، اعمال و کنترل می‌گردد.<sup>۲</sup>

فرمایشون طبقاتی صورت گرفته که به‌ویژه در پهلوی دوم خود را به‌صورت طبقه متوسط جامعه نمایان ساخت، صورت‌بندی ساختار طبقاتی جامعه را از شکل دوقطبی آن خارج ساخت. این طبقه‌ی وسط در شریان‌های فرهنگی نیز موجب و موجب‌تغییر و تحولاتی شد و جالب این‌که در اواخر قرن یاد شده، این طبقه‌ی مینایی جامعه دچار استحاله گشت و به‌فرمایشون طبقاتی ابتدای قرن نیل یافت که البته این خطری فوق‌العاده جدی است.<sup>۳</sup>

قرن ۱۴ خورشیدی، نه‌تنها عصر صفح‌ه را تجربه کرد بلکه تجربیات آنالوگ، دیجیتال، ماهواره و اینترنت را نیز پشت‌سر گذاشت. رواج رسانه‌های فراگیر در این قرن که با رسانه‌های نوشتاری و جراید آغاز گشته بود با رسانه شنیداری (رادبو) و پس از آن رسانه دیداری (تلویزیون) ادامه یافت و با ظهور ماهواره‌ها و اینترنت، با نسل‌های جدیدی از رسانه‌های دیداری و شنیداری مواجه شد. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین رسانه‌های خودگردان - حال حاضرند.

و نکته‌ی تأسف‌بار دیگر این‌که، تا به‌الآن، هنر موسیقی در قانون مدنی کشور هیچ تعریفی نداشته و ندارد و بنا به‌توضیحات «بهروز مبصری» مؤلف و محقق موسیقی، فقط در مباحث مالی، قوانینی تجارتي وضع شده است. قوانین کپی‌رایت در خصوص هنر سینما به‌صورت آیین‌نامه‌ای هنری تصویب گشته ولی برای هنر موسیقی هنوز اقدامی در این خصوص صورت نگرفته است.<sup>۴</sup>

### منابع و مأخذ:

نوشتار حاضر - که البته، مختصری از آن پیش‌تر منتشر شده بود -، روایت نگارنده‌ی آن از تاریخ موسیقی معاصر حداقل سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۴۰۱ بود که براساس مطالعات و تحقیقات بیش از دو دهه‌ی وی صورت پذیرفت و هیچ منبع و مأخذی در حین نگارش این مقاله، مورد استناد و اقتباس مستقیم این متن، قرار نگرفت. بیشترین منابع و مأخذ نگارنده در حوزه‌ی مطالعات تاریخ موسیقی

### پی‌نوشت:

۱. دهنزی، فرید. ۱۴۰۰. توضیحات شفاهی فرید دهنزی (مورخ و مفسر در حوزه جامعه‌شناسی اجتماعی و سیاسی تاریخ معاصر) به نگارنده (محمدرضا ممتازواحد).  
۲. مبصری، بهروز. ۱۴۰۰. توضیحات مکتوب بهروز مبصری (دیسکوگراف و پژوهشگر موسیقی) به نگارنده (محمدرضا ممتازواحد).  
۳. در اوان قرن چهاردهم خورشیدی که اجتماع ایران به‌صورت کلی با دو طیف عوام و خواص سروکار داشت، با مدرنیزاسیون ایجاد شده، به‌طبقه‌ی اجتماعی میانه‌ای رسید که متناسب با قشر متوسط جامعه، بسیاری از شاکله‌های

این موارد بوده است:  
- خالقی، روح‌اله. ۱۳۹۵. سرگذشت موسیقی ایران (۳ جلد در یک مجلد). تهران: مؤسسه فرهنگی-هنری ماهور، چاپ سوم.  
- مختاری‌اصفهانی، رضا. ۱۳۸۸. تاریخ تحولات اجتماعی رادیو در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو، چاپ اول.  
- مشحون، حسن. ۱۳۸۰. تاریخ موسیقی ایران. تهران: فرهنگ نشر نو، چاپ اول.

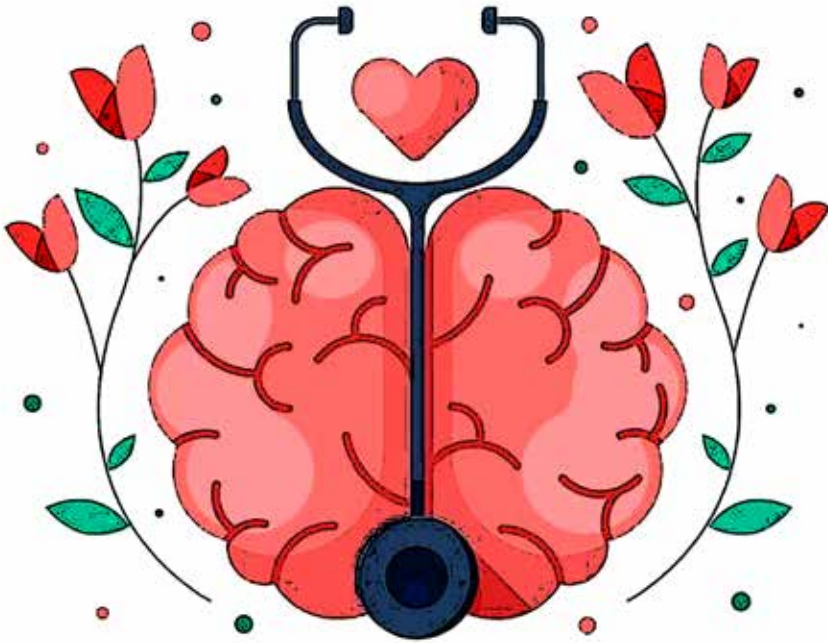
فرهنگی و اجتماعی آن دیگرگون شد و به‌تبع آن، آثار و محصولات فرهنگی مبتنی بر این طبقه‌ی اجتماعی تهیه، تولید و عرضه گردید. جالب این‌که کمی مانده به‌انتهای قرن یادشده، این طبقه از حد وسط جامعه‌ی ایران، به‌استحاله دچار گردید و این فرمایشون اجتماعی، روادرد دو سه دهه‌ی نخست قرن ۱۴ خورشیدی بود.

۴. مبصری، بهروز. ۱۴۰۰. توضیحات مکتوب بهروز مبصری (دیسکوگراف و پژوهشگر موسیقی) به نگارنده (محمدرضا ممتازواحد).



علیرضا اعتمادی

## تأثیر موسیقی بر درمان بیماری‌ها



کشورهای دیگر برای آنکه تمایلی به استفاده از دارو و سایر روشها برای تسکین درد زایمان ندارند، به محض آغاز درد زایمان به مدت سه ساعت موسیقی ملایم پخش می‌کنند که این تأثیر بسیار زیادی در تسکین درد بیمار دارد و هیچگونه تأثیر منفی بر مادر و نوزاد نمی‌گذارد. در یک کلینیک خصوصی در اسلواکی، نوزادان یکی دوروزه در هر روز، پنج بار و هر بار به مدت بیست دقیقه با هدفون به موسیقی کلاسیک آرام و زیبا گوش می‌دهند به طوری که هنگام مرخص شدن از این کلینیک به شدت به این کار عادت می‌کنند.

متخصصان این کلینیک معتقدند این کار به رفع استرس کودک و آرامش او کمک می‌کند و پس از مدتی کودک واقعا از این کار لذت می‌برد. در یک تجربه دیگر در کالج ایالتی فلوریدا محققان تعداد زیادی نوزادان یک تا هشت ماهه را انتخاب نموده و به یک پای آنها نوازی متصل کردند که با حرکت دادن آن پا صدا و با حرکت دادن پای مخالف موسیقی پخش می‌شد، در این بررسی مشخص شد که اکثر نوزادان به خصوص آنهایی که سن بالاتر از چهار ماه داشتند موسیقی را ترجیح می‌دادند. نتیجه آخرین تحقیقات بر روی جنین داخل شکم مادر نیز نشان میداد که جنین چند ماهه در شکم مادر صداهای بیرون را می‌شنود حتی واکنش نشان می‌دهد، موسیقی

استفاده از موسیقی در شفای بیماران قدمتی بس طولانی دارد و برخی آنرا به ابتدای تاریخ بشر نسبت می‌دهند ولی استفاده اصولی تر از موسیقی در درمان بیماریها به بیش از دو هزار سال پیش بر می‌گردد. نوشته‌هایی مربوط است به ارسطو و افلاطون، هر چند برخی محققان به سالهای دورتر اشاره می‌کنند و این تفکر را به اندیشمندان چین و هند منسوب می‌دانند.

اکنون این آگاهی و اطمینان بدست آمده که موسیقی در بهبودی بسیاری از بیماریها نقش و اثر پررنگی دارد. با اثبات تأثیر موسیقی در درمان بیماریها ابتدا و برای نخستین بار دانشگاه میشیگان در سال ۱۹۴۴ و سپس دانشگاههای دیگری در امریکا و اروپا رشته جدید موسیقی درمانی را دایر نموده و به آموزش دانشجویان در این رشته پرداختند. در سال ۱۹۵۰ انجمن موسیقی درمانی آغاز به کار کرد و فدراسیون جهانی موسیقی درمانی هم در سال ۱۹۸۵ در سطح بین المللی به ثبت رسید. انجمن‌های مختلف دیگری نیز در این زمینه دایر گردیده و هم اکنون مشغول فعالیت هستند مثل انجمن ملی موسیقی درمانی NAMT یا انجمن امریکایی موسیقی درمانی AAMT، نتایج به دست آمده از تأثیر موسیقی بر درمان بیماریها موضوعی است که می‌خواهم با عنوان نمودن نمونه‌هایی به آن اشاره کنم. اخیرا در امریکا و برخی از

اولیه موسیقی گوش دهند، ادامه درمان و بهبودی کاملشان زودتر میسر می‌گردد. گروهی از کارشناسان رشته موسیقی درمانی توانسته‌اند با کمک موسیقی بر بیماران تحت درمان قبل یا بعد از جراحی‌ها تاثیر بگذارند و در بسیاری از آنان به نتایج روحی و درمانی خارق العاده‌ای دست پیدا کنند. در بیمارستان جان هاپکینز و سپس بیمارستانهای دیگر آمریکا و اروپا پخش موسیقی در بخشهای مختلف بخصوص بخش روانپزشکی باب شده است. تاثیر موسیقی بر جسم نیز از جمله تحقیقاتی است که در حال انجام است، گرچه کارهای تجربی اندکی در مورد تاثیرات فیزیولوژیک موسیقی در بدن انجام گرفته با این حال آقای **podolsky** با جمع آوری تجربیات گوناگون نشان داده است که موسیقی تند متابولیسم و انرژی عضلانی را افزایش داده، ضربان قلب را تند کرده و فشار خون را بالا میبرد و موجب تسریع جریان خون به طرف مغز می‌گردد، در حالی که موسیقی ملایم عکس تاثیرات فوق را دارد. برخی اصوات غیر موسیقایی نیز موجب تغییرات شیمیایی در مغز، غدد داخلی و عضلات می‌شود. اگر چه پزشکان و محققان این تغییرات را تا کنون نتوانسته‌اند در آزمایشگاه ثابت کنند ولی تحقیقات کنونی حاکی از وجود این تغییرات است.

نواختن موسیقی خشن در نزدیکی یک تخم مرغ موجب سفت شدن محتویات آن می‌شود، آقای **podolsky** اظهار می‌دارد که محتویات بدن انسان نیز ترکیبات مشابه تخم مرغ را دارد بنابر این از تغییرات ناشی از موسیقی خشن و بخصوص با صدای بلند مصون نیست اثرات مفید موسیقی درمانی در درمان بیماریهای مختلف، روانی، روان تنی و حتی جسمی هم توسط محققان برجسته‌ای همچون **barley** در ۱۹۸۳ - **cartis** در ۱۹۸۵ - **whillal** در ۱۹۸۹ و **dileo** در ۲۰۰۶ میلادی هم به تئوریک و هم به طور تجربی به اثبات رسیده است، موسیقی آرام و ملایم با افزایش آندورفینها (مخدرهای ضد درد داخلی) و کاهش استرس هورمونها علاوه بر ایجاد آرامش و کاهش اضطراب و استرس موجب کاهش دردهای

آرام و مناسب براو تاثیر مثبت گذارده و گوش خود را به طرف صداهای دلنشین مایل می‌کند در مقابل، صداهای زیاد، ناهنجار و شلوغ او را ناراحت می‌کند که در عکسی ضمیمه این تحقیقات نشان می‌دهد نوزاد دستان خود را به طرف گوشه‌هایش برده و بدین ترتیب در مقابل صداهای منفی واکنش نشان می‌دهد.

موسیقی حتی بر سلامت و وزن گیری نوزادان نیز موثر است، در سال ۱۹۹۱ یک دانشجوی فارغ التحصیل رشته موسیقی درمانی به نام **Janetcaine** تعداد ۵۲ نوزاد نارس بستری در بخش **ICU** یکی از بیمارستانهای آمریکا را به دو گروه ۲۶ نفری تقسیم کرد. دسته اول فقط صداهای محیط را می‌شنیدند در صورتی که برای دسته دوم موسیقی پخش می‌شد. نتیجه بسیار جالب بود، نوزادان دسته دوم که موسیقی شنیدند اشتهای بهتر و وزن گیری بیشتری داشته و به طور متوسط یک هفته زودتر از بیمارستان مرخص می‌شدند تا نوزادان دسته اول که فقط صداهای محیط را می‌شنیدند. پیگیری‌ها تا ۶ ماه بعد در منزل نیز نشان می‌داد که گروه دوم در منزل نیز آرامتر بوده و مهارتهای یادگیری بهتری داشتند.

همچنین در مورد تاثیر موسیقی بر شیردهی و افزایش شیر در مادران بعد از زایمان تحقیقاتی صورت گرفته و نتایج مثبتی نیز به دست آمده است. محققان ایتالیایی دانشگاه پاویا اعلام کردند موسیقی در اشکال مختلف می‌تواند در کنترل و درمان اختلالات قلبی مورد استفاده قرار گیرد. داوطلبان و شرکت کنندگان در این آزمایشها برای شنیدن موسیقی از هدفون استفاده کرده و فشارخون، ضربان قلب، جریان خون در عروق مغزی، تنفس و باریکی عروق خونی آنها از طریق سیستم الکتروکاردیوگرام اندازه گیری شده است. محققان ایتالیایی به این نتیجه رسیده‌اند که موسیقی به دلیل تاثیرگذاری بر روی فشارخون می‌تواند در درمان حملات قلبی و ناتوانیهای حرکتی ناشی از این حملات موثر باشد.

با نتایج به عمل آمده از گروهی محققان و پزشکان متخصص افرادی که دچار آسیب دیدگی مغزی شده‌اند اگر پس از بهبودی





در سال ۱۹۹۳ در دانشگاه ایالتی میشیگان به عمل آمده، حتی پانزده دقیقه گوش کردن به موسیقی ملایم اینترنتی را افزایش می‌دهد و این افزایش موجب بهبود ایمنی بدن شده و مقاومت در برابر سرطان وایدز و هر گونه اختلالات ایمنی دیگر را افزایش می‌دهد. همچنین به دلایلی که فعلا ناشناخته باقی مانده، موسیقی موجب تقویت حافظه و افزایش یادگیری به خصوص در کودکان مبتلا به اوتیسم می‌گردد. اثرات مفید موسیقی در بیماریهای قلب و عروق در بررسی Cochrane در سال ۲۰۰۹ که در ۲۳ کلینیک مورد بررسی قرار گرفته، تاثیر مثبت موسیقی ملایم را بر کاهش ضربان قلب، کاهش فشار خون و بخصوص کاهش آریتمی‌های قلبی را نشان می‌دهد. محققان در یافته‌اند موسیقی با ریتم تند می‌تواند فشارخون و ضربان قلب را بالا ببرد و در مقابل موسیقی آرام می‌تواند تاثیری معکوس بر روی فشارخون داشته باشد.

بلندی یا آهستگی صدای موسیقی یا همان ولوم نیز تاثیر مستقیمی بر روی فشارخون انسان دارد. محققان همچنین اعلام کرده‌اند با ترکیب موسیقی سریع و آرام میتوان سیستم قلبی عروقی را کنترل کرده و به تدریج آن را احیا کرد. طی آزمایشهای صورت گرفته، زمانی که موسیقی متوقف می‌شود، تنفس، ضربان قلب و فشارخون کاهش پیدا کرده و گاهی به پایین تر از سطح اولیه می‌رسد. محققانی نظیر جونگ (Jeong) و کیم (Kim) معتقدند که اگر برنامه درمانی معمولی بیماران با درمان موسیقی همراه شود نتیجه بسیار موثرتری خواهد داشت. در این مقاله با بیان نمونه‌هایی تاثیر موسیقی بر جنین، مادران باردار، زایمان، نوزادان، بیماران تحت درمان، سالمندان، آسیب دیدگان مغزی، قلبی، روحی، جسمی و... مطالبی عنوان شد. اکنون از نظر علمی این آگاهی و اطمینان به دست آمده که موسیقی در درمان و بهبود بسیاری از بیماریها نقش واثری مثبت دارد.

(مقاله تحقیقی از علیرضا اعتمادی نویسنده کتاب تاثیر موسیقی بر درمان بیماریها)

خفیف (ناشی از افزایش آندورفینها) می‌گردد.

محققانی نظیر پودولسکی (podolsky) معتقدند که با نواختن نوع خاصی از موسیقی می‌توان دردهای متوسط و حتی شدید از جمله دردهای زایمانی را آرام کرد، ایشان ثابت می‌کند که موسیقی علاوه بر کاهش دردهای زایمانی موجب اتساع دهانه رحم و در نتیجه تسهیل در زایمان نیز می‌گردد.

در تحقیقات دیگری نویاک (noyak) نشان می‌دهد که موسیقی موجب کاهش افسردگی، بهبود خلق، کاهش اضطراب و بهبود کیفیت زندگی در بیماران روان پریش می‌گردد. کهنسالان بخصوص آنهایی که در سرای سالمندان زندگی می‌کنند در معرض افسردگی و اضطراب بیشتری هستند. نتایج بررسی‌های آقای kim نشان می‌دهد که اجرای موسیقی ملایم موجب کاهش عوارض فوق در این افراد می‌گردد.

همچنین در یک بررسی پر دامنه ثابت شده است که اگر این افراد بتوانند خودشان موسیقی بنوازند، نتیجه بهتری بدست خواهد آمد. اثرات مفید موسیقی در کاهش عوارض آلزایمر نیز به اثبات رسیده، به همین دلیل اجرای موسیقی ملایم در بسیاری از مراکز نگهداری سالمندان جزو برنامه‌های درمانی و همیشگی آنها می‌باشد و نتایج مطلوب و مثبتی در برطرف یا کم کردن افسردگی، ناتوانیهای فیزیکی و فراموشی در سالمندان را به همراه داشته است. دامنه استفاده از موسیقی در درمان بیماریهای صرفا روانی مثل اسکیزوفرنی، پارنویا، اختلالات شخصیتی، اضطراب، استرس، بیخوابی و یا بیماریهای روان تنی مثل میگرن، اگزما و اخیرا در بیماریهای صرفا بدنی مثل فلج‌های ناشی از سکته مغزی، ضربه مغزی، بیماریهای عروق کرونر، اختلالات حرکتی، اختلالات تعادلی و اختلالات تکلمی گسترش یافته است.

همچنین دی‌لئو (dileo) از موسیقی درمانی در درمان سرطان و ایدز با موفقیت استفاده نموده، زیرا نشان داده شده که موسیقی موجب بهبود عملکرد ایمنی بدن می‌شود. طبق تحقیقاتی که





امیر انجیری استرکی

## رتبه بندی فواصل هارمونیک از نظر ملایمت و ناملایمت با روش «هلم هولتز»



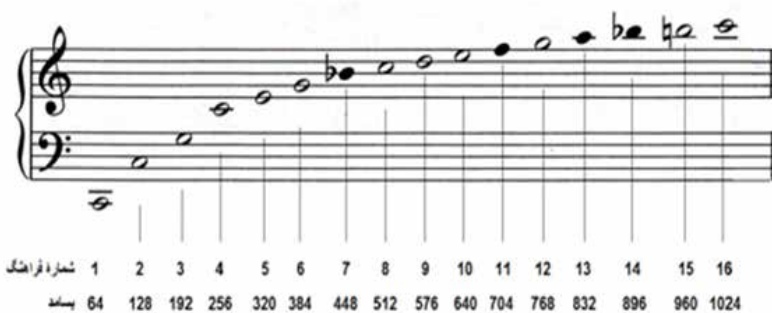
هارمونیک‌های هفتم، یازدهم، سیزدهم و چهاردهم که به رنگ سیاه و توپُر نوشته شده‌اند؛ ناکوک هستند و در موسیقی با اندکی تغییر در زیربومی پذیرفته شده‌اند. به هارمونیک‌های ناکوک که در ملودی غیر قابل استفاده هستند؛ «اکمپلیک<sup>۱</sup>» و سایر هارمونیک‌ها که در ملودی قابل استفاده هستند؛ «امپلیک<sup>۲</sup>» می‌گویند. همانطور که مشاهده می‌شود؛ بسامد «هارمونیک دوم» که هشتم درست بالاتر از صدای مینا است دوبرابر؛ بسامد «هارمونیک سوم» که دوازدهم درست بالاتر از صدای مینا است سه برابر؛ بسامد «هارمونیک چهارم» که دو فاصله هشتم درست (پانزدهم درست) بالاتر از صدای مینا است چهار برابر ... و بسامد «هارمونیک شانزدهم» که چهار فاصله هشتم درست بالاتر از صدای مینا است؛ شانزده برابر صوت مینا است.

از گذشته میزان ملایمت یا ناملایمت فواصل هارمونیک (دو صدای موسیقایی همزمان) مورد توجه صوت‌شناسان و موسیقی‌دانان بوده است. هرچه فاصله ملایم‌تر باشد، میل به تغییر و شنیدن فاصله دیگری پس از آن (حل شدن) کمتر است و بالعکس هرچه ناملایم‌تر باشد میل به تغییر در آن بیشتر است<sup>۱)</sup>. در قرن نوزدهم «هرمان هلم هولتز» بر مبنای هارمونیک‌های صوتی (بدون توجه به سبک‌ها و فرهنگ‌های مختلف موسیقی) بیان

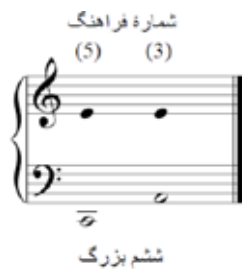
موسیقی‌دانان همواره در مورد رتبه بندی فواصل از نظر ملایمت اختلاف نظر داشته‌اند. برخی فاصله چهارم را ملایم‌تر از سوم و برخی فاصله سوم را ملایم‌تر از چهارم می‌دانستند. عده‌ای فاصله ششم را ملایم‌تر از سوم و عده‌ای دیگر فاصله سوم را ملایم‌تر از ششم می‌دانستند. اما موسیقی‌دانان از قرن نوزدهم تا امروز رویکرد «هلم هولتز» را برای رتبه بندی فواصل هارمونیک پذیرفته‌اند. اینجانب در جلد دوم کتاب تئوری موسیقی (انتشارات نای و نی) به این موضوع پرداخته‌ام که در ادامه به اهم آن اشاره می‌کنم.

هر کدام از اصوات موسیقایی - به ویژه صداهای بم - به عنوان صدای «مینا<sup>۲</sup>» یا «صدای اصلی» قابل تجزیه به اصوات موسیقایی ضعیف دیگری هستند که بسامد آنها مضرب صحیحی از بسامد صدای مینا است. این اصوات را «اصوات هارمونیک<sup>۳</sup>»، «اصوات مخفی<sup>۴</sup>»، «اصوات جزئی<sup>۵</sup>» و یا «فراهنگ<sup>۶</sup>» می‌نامند. تفاوت شدت هارمونیک‌ها و نحوه اجرای صدای مینا (به عنوان هارمونیک اول) در سازهای گوناگون از عواملی هستند که باعث ایجاد «رنگ صوتی<sup>۷</sup>» می‌شود. در مثال (۱) C2 با بسامد ۶۴ دور در ثانیه به عنوان صوت مینا یا هارمونیک اول در نظر گرفته شده و هارمونیک‌های یکم تا شانزدهم آن نشان داده شده است.

مثال (۱)



فاصله «ششم بزرگ» که در آن هارمونیک پنجم صدای پایینی، همان هارمونیک سوم صدای بالایی است.



مثال (۶)

فاصله «سوم بزرگ» که در آن هارمونیک پنجم صدای پایینی، همان هارمونیک چهارم صدای بالایی است.



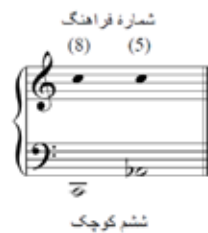
مثال (۷)

فاصله «سوم کوچک» که در آن هارمونیک ششم صدای پایینی، همان هارمونیک پنجم صدای بالایی است.



مثال (۸)

فاصله «ششم کوچک» که در آن هارمونیک هشتم صدای پایینی، همان هارمونیک پنجم صدای بالایی است.



مثال (۹)

فاصله «هفتم کوچک» که در آن هارمونیک نهم صدای پایینی، همان هارمونیک پنجم صدای بالایی است.

کرد؛ هرچه دو صدای موسیقایی هارمونیک‌های مشترک بیشتر و مخصوصاً نزدیک‌تری داشته باشند؛ فاصله ملایم‌تری می‌سازند<sup>۱۲</sup>. به‌عنوان مثال در مورد فاصله هشتم درست، هارمونیک دوم صدای پایینی، همان صدای بالایی فاصله است. چون دوصدایی که فاصله «هشتم درست» می‌سازند؛ نزدیک‌ترین هارمونیک مشترک را دارند؛ این فاصله ملایم‌ترین فاصله‌ها است. همانطور که در مثال (۲) دیده می‌شود؛ هارمونیک دوم نت پایینی همان هارمونیک اول نت بالایی است.



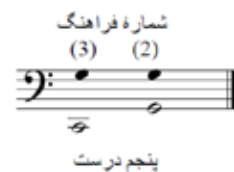
مثال (۲)

فاصله‌ای که در مرتبه دوم ملایمت قرار می‌گیرد؛ «دوازدهم درست» است. زیرا همانطور که در مثال (۳) دیده می‌شود؛ هارمونیک سوم صدای پایینی، همان صدای بالایی فاصله است.



مثال (۳)

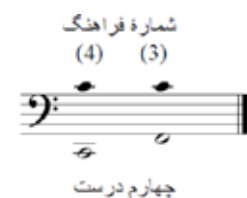
فاصله‌ای که در مرتبه سوم ملایمت قرار می‌گیرد؛ «پنجم درست» است. زیرا همانطور که در مثال (۴) دیده می‌شود، هارمونیک سوم صدای پایینی، همان هارمونیک دوم صدای بالایی فاصله است.



مثال (۴)

فواصلی که از نظر ملایمت در مراتب بعدی قرار می‌گیرند عبارتند از:

فاصله «چهارم درست» که در آن هارمونیک چهارم صدای پایینی، همان هارمونیک سوم صدای بالایی است.



مثال (۵)

فاصله «دوم کوچک» که در آن هارمونیک شانزدهم صدای پایینی، همان هارمونیک پانزدهم صدای بالایی است.



مثال (۱۳)

رتبه بندی فواصل هارمونیک به شرح زیر است:

ملایم مطلق ۱۳: یکم درست ( $\frac{1}{1}$ )، هشتم درست ( $\frac{1}{4}$ ) و دوازدهم درست ( $\frac{1}{3}$ ).

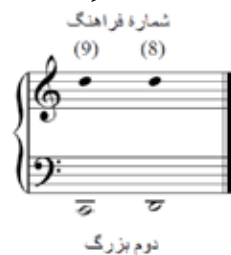
ملایم کامل<sup>۴</sup>: پنجم درست ( $\frac{2}{3}$ ) و چهارم درست<sup>۱۵</sup> ( $\frac{3}{4}$ ).  
 ملایم متوسط<sup>۱۶</sup>: ششم بزرگ ( $\frac{3}{5}$ )، سوم بزرگ ( $\frac{4}{5}$ ).  
 ملایم غیر کامل<sup>۱۷</sup>: سوم کوچک ( $\frac{5}{6}$ )، ششم کوچک ( $\frac{5}{8}$ ).  
 ناملایم خفیف<sup>۱۸</sup>: هفتم کوچک ( $\frac{5}{9}$ )، دوم بزرگ ( $\frac{8}{9}$ ).  
 ناملایم شدید<sup>۱۹</sup>: هفتم بزرگ ( $\frac{8}{15}$ )، دوم کوچک ( $\frac{15}{16}$ ).

ناملایم مجذوب<sup>۲۰</sup>: فواصل افزوده و کاسته.



مثال (۱۰)

فاصله «دوم بزرگ» که در آن هارمونیک نهم صدای پایینی، همان هارمونیک هشتم صدای بالایی است



مثال (۱۱)

فاصله «هفتم بزرگ» که در آن هارمونیک پانزدهم صدای پایینی، همان هارمونیک هشتم صدای بالایی است.



مثال (۱۲)

### پی‌نوئست:

۱۲- همانطور که ملاحظه می‌شود در همه نمونه‌ها نسبت شماره نزدیک‌ترین هارمونیک‌های مشترک برابر است با معکوس فاصله نُت‌های همان فاصله. به‌طور مثال نسبت شماره نزدیک‌ترین هارمونیک‌های مشترک دو نت با فاصله هشتم درست برابر است با معکوس نسبت بسامدی آن دو نت.

13- Absolute consonant (Eng.)

14- Perfect consonant (Eng.)

۱۵- برخی این فاصله را ملایم مشترک (Common consonant) نامیده‌اند. زیرا در دانش هارمونی کلاسیک اگر این فاصله از بُم‌ترین بخش صوتی تا یکی از صداهای بالایی ایجاد شود ناملایم و در غیر این صورت ملایم است.

16- Median consonant (Eng.)

17- Imperfect consonant (Eng.)

18- Mild dissonant (Eng.)

19- Sharp dissonant (Eng.)

20- Attracted dissonant (Eng.)

1- Consonance (Eng.) ملایمت

2- Dissonance (Eng.) ناملایمت

3- Fundamental (Eng.)

4- Harmonic tones (Eng.)

5- Hidden tones (Eng.)

6- Partial tones (Eng.)

7- Over tone (Eng.)

۸- Tone colour (Eng.) کیفیتی از صوت که معرف منبع صوت است.

۹- Ekmelik (GR)

۱۰- Emmelik (GR)

۱۱- بجای واژه‌های ملایمت و ناملایمت از واژه‌های مطبوعیت و نامطبوعیت نیز استفاده می‌شود. صفت آنها مطبوع (Consonant) و نامطبوع (Dissonant) است که به ترتیب از کلمات لاتین Consonare به معنای باهم صدا دادن و Dissonare به معنای جدا از هم صدا دادن اقتباس شده‌اند.

## معرفی کتابها

## گیتی خسروی کتاب «مکتب سوزوکی» را ترجمه کرد



کتاب «مکتب سوزوکی» با ترجمه گیتی خسروی منتشر شد. کتاب «مکتب سوزوکی» با ترجمه گیتی خسروی، معلم آواز کلاسیک ایرانی از سوی موسسه فرهنگی و هنری رادواندیش منتشر شد. به گزارش خانه موسیقی، کتاب «مکتب سوزوکی»، زندگی‌نامه شینچی سوزوکی (۱۸۹۸-۱۹۹۸) نوازنده و معلم ویولن در ژاپن است که روش نوینی برای آموزش موسیقی پایه‌ریزی کرد. در این روش پایه‌های یادگیری با زبان مادری همسان است. بهاء‌الدین خرمشاهی و محمدرضا درویشی برای این کتاب یادداشتهایی نگاشته‌اند که در مقدمه و پشت جلد به چاپ رسیده است.

خسروی در بخشی از مقدمه این کتاب نوشته است: «کتابخانه‌ها همیشه گردشگاه و محل قدم زدن هایم بوده‌اند. یکی از آن روزها که در حال قدم زدن در کتابخانه بزرگ و اصلی شهر بودم همینطور که کتابها را از نظر می‌گذراندم به انتهای راهرو کتابخانه بخش موسیقی که رسیدم در کمدی انباشته از کتاب، کتابی نازک، بی سر و صدا و بدون ادعا به طوری کج تکیه داده بود که هرگز این تصویر، ذهن مرا ترک نکرده است و جلوتر رفتم و مطمئن شدم که بر روی آن اسم سوزوکی نقش بسته است.

آن را برداشتم و ورق زدم و صفحه به صفحه پیش رفتم تا در نهایت کتاب را با خود آوردم. بعد از شش هفته باید آن را پس می‌دادم اما دوباره تمدید کردم و بعد از دوازده هفته بالاخره به این نتیجه رسیدم که این کتاب را باید تهیه کنم. به این گونه این کتاب را در گوشه‌ای از کتابخانه شهر که گوشه عزلت‌گزیده بود را تهیه کرده و در کتابخانه منزل ما جایی دائمی یافت. پس از چندی شروع به ترجمه این کتاب کردم. این ترجمه سال‌های بسیاری در گوشه‌های زانوی غم و انتظار اختیار کرده بود و به خاموشی نشسته بود اما درونی پر غوغا داشت. کتاب «مکتب سوزوکی» با ترجمه گیتی خسروی با ۱۱۶ صفحه، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۷۵ هزار تومان عرضه شده است.

## مجموعه‌ی ۵ مجلدی «متد جامع آموزش موسیقی کودک»



این مجموعه شامل ۳ مجلد «سرمشق‌های موسیقی ۱-۲-۳» و دو مجلد «آموزش فلوت ریکورد ۱-۲» پس از ۳۳ سال نگارش و ویرایش و به‌روزرسانی، به‌تازگی از سوی نشر عارف به چاپ رسیده‌اند. نگاه متدیک به امر آموزش، مهم‌ترین دیدگاه این مجموعه است. همان‌گونه که از یک کار حرفه‌ای انتظار می‌رود، در این مجموعه‌ی آموزشی، نویسنده به تقدم و تأخر مطالب وفادار مانده و مطالب آموزشی را یک‌به‌یک، با رعایت ترتیب صحیح، آموزش داده‌است. عمق نگاه علمی و مسؤولانه‌ی نویسنده، با نگاهی به «راهنمای آموزگاران» در انتهای کتابها، آشکار می‌شود. در این مجموعه، در خلال ۴۳۰ صفحه، به دفعات به پارامترهای مختلف موسیقی ارجاع داده شده و پس از عبور از چند مرحله‌ی آموزشی، کودک را آرام آرام از «همراهی ساده و سراسر تقلید اولیه در آغاز مجموعه، به «نوازندگی آگاهانه و متفکرانه در پایان کتابها» رهنمون شده‌است.

نویسنده برای آموزش «تمپو، ریتم، اینتروال، نت‌خوانی، تربیت شنیداری، سازشناسی، تلفیق ریتم و کلام، ترانه‌خوانی و اجرای عملی با سازهای ارکستر ارف و فلوت ریکورد» طراحی جامع و کاملی انجام داده‌است. گرچه تمامی موارد پیش‌گفته شاهده‌ی بر یونیک بودن این مجموعه است، شاخص مهم دیگری بر اهمیت فرهنگی-هنری این مجموعه مهر تأیید می‌زند و آن نگارش متعهدانه و زیباشناسانه‌ی ده‌ها «ترانه» است. در تمام سال‌های گذشته شاهد تکرار مکررات در کتابهای موسیقی کودک بوده‌ایم. ترانه‌های نازیبا، اشعار کم یا بی‌محتوا، تلفیق‌های نادرست کلام و موسیقی، همه‌وهمه بر دوش کودک و مربی سنگینی کرده‌اند. سُرایش ملودی‌های مناسب آموزشی با اشعاری تأثیرگذار، در کنار بازنویسی ترانه‌های فولکلور و تنظیم زیبای این آثار با ارکستر ارف، «متد جامع آموزش موسیقی کودک» را به‌حق، به یکه‌تاز بلامنازع میدان میدل کرده‌است.



## معرفی آلبومها

## آلبوم «هفت خوان و تنبور» منتشر شد

آلبوم موسیقی «هفت خوان و تنبور» با آهنگسازی و نوازندگی تنبور، مهرداد اکبری و آوازخوانی سید جواد حسینی (فؤاد) منتشر شد.

به گزارش سایت خانه موسیقی، آلبوم «هفت خوان و تنبور» یکی از مجموعه‌های هفت خوان است که براساس فرم مقام‌ها و ملودی‌های باستانی تنبور، در منطقه کرمانشاهان ساخته شده است. این آلبوم موسیقی خوان اول را روایت می‌کند.

در این مجموعه، از اشعار شاهنامه کردی و همچنین اشعار عرفای نامدار کرمانشاه که به نحوی با تنبور نوازی و موسیقی تنبور عجین شده، استفاده گردیده است. همچنین در این اثر به سبک سنتی و باستانی تنبور نوازی در کنار بهره بردن از شعر و گویش کردی در قالب آهنگ‌های حماسی و استفاده از مقام‌های بکر تنبور به عنواتم، مقام خوانی و مقام نوازی توجه ویژه شده است.

این اثر شامل آهنگ‌های بازگشت رستم (روسم هاته وه) از شاهنامه کردی، سودای خام از سید صالح ماهیدشتی، تربت لیلا (برگردان کردی از شعر منصوب به سلطان ولد پسر مولانا)، مقام خوانی از شاهنامه کردی، راز بیستون از زنده یاد احمد عزیزی و دام بلا از سید صالح ماهیدشتی است.

در این اثر منوچهر نظری (تکنواز تنبور)، حمیدرضا جغندی (نوازنده دف، دهل و کوزه)، یاسر فلاح پور (صدابردار، میکس و مسترینگ)، فرشاد رستمی (نظارت در میکس و مسترینگ)، استودیو پژواک حوزه هنری (ضبط)، گرافیک نگاره (امور هنری) و ابوالفضل کریمی (طراح) همکاری داشته‌اند.



## آلبوم «نوی ماندگار» منتشر شد

آلبوم موسیقی «نوی ماندگار» با پژوهش، تحقیق و آواز خسرو عامری فر از سوی مرکز موسیقی حوزه هنری منتشر شد.

به گزارش خانه موسیقی، تازه‌ترین اثر خسرو عامری فر شامل ۱۵ تصنیف قدیمی است که با تحقیق و پژوهش این استاد پیشکسوت موسیقی به دست آمده و اجرا شده‌اند.

در این آلبوم آثاری از آهنگسازان و اساتید قدیمی همچون علی اکبرخان شیدا، اسماعیل مهرتاش، سید احمدخان ساوه‌ای، عبدالله خان دوامی برخی از اساتید دیگر گردآوری شده است، که با توسط ایشان ساخته شده و یا از این اساتید روایت شده است.

عامری فر از سال ۱۳۶۵ به عنوان بخشی از فعالیت رسمی هنری خود به همراه چندی از هنرمندان، گروه موسیقی سنتی مشتاق را تأسیس و کنسرت‌های متعددی را در داخل و خارج از کشور برگزار کرد که این روند همچنان ادامه دارد. در زمینه فعالیت آموزشی، مدت ۳۵ سال است که او مشغول تدریس ردیف‌ها، تصانیف و آواز بوده است. در همین راستا و در طول سالیان، بخش زیادی از فعالیت‌های هنری عامری فر صرف پژوهش و بازسازی گمشده‌های موسیقی سنتی در ردیف، قطعات، تصانیف و ضربی‌ها شده است.

«نوی ماندگار» شامل تصنیف‌های «بیا بیا»، «ساقیا»، «مولود نی» و «ساقی مهوش» از علی اکبر شیدا، «گل گل»، «دل میند»، «شیدا»، «تار زلفت»، «سه پنج روزه»، «گریه کنم»، «اردو» از قدما، «در خلوت» و «هر که را که بخت» به روایت عبدالله خان دوامی، «من ندانستم» به روایت سید احمدخان، «آن به» به روایت اسماعیل مهرتاش است.



خسرو عامری فر، علاوه بر خوانندگی، تحقیق و پژوهش نوازنده سه تار این آلبوم نیز است. همچنین در این اثر حسن آزاده فر (نوازنده تنبک)، نشاط عامری فر (گوینده) و شکیب هروی (طراح و گرافیست) همکاری داشته‌اند.

غلامحسین امیرخانی، یدالله کابلی و قباد شیوا، علی خسروی، ابراهیم حقیقی، بیژن جناب و نسل‌های مختلفی از دیگر هنرمندان در شاخه‌های پوستر، نشانه و نشانه‌نویسی هستیم.

### اطلاعیه صندوق اعتباری هنر در خصوص افزایش حق بیمه اعضا



صندوق اعتباری هنر در خصوص افزایش حق بیمه هنرمندان تحت پوشش بیمه صندوق اطلاعیه‌ای صادر کرد.

به گزارش سایت خانه موسیقی، در اطلاعیه صندوق اعتباری هنر آمده است: نرخ حق بیمه ماهیانه تامین اجتماعی و سرانه در ماه، هر ساله از سوی سازمان تامین اجتماعی اعلام می‌شود و صندوق اعتباری هنر در افزایش نرخ حق بیمه هیچ دخالتی ندارد. با توجه به افزایش حق بیمه صاحبان مشاغل و حرف مشاغل آزاد در سال جاری، مبلغ پرداختی حق بیمه سهم اعضا و حق بیمه پرداختی از سوی صندوق اعتباری هنر نیز متعاقباً افزایش یافته است، بطوری که سهم پرداختی صندوق برای هر بیمه شده در نرخ ۱۸ درصد از مبلغ ۲۷۰ هزار تومان به ۴۲۱ هزار تومان افزایش یافته است.

با توجه به برخورداری بیش از ۴۴ هزار نفر از اصحاب فرهنگ و هنر از بیمه تامین اجتماعی صندوق، رقم قابل توجهی از بودجه دریافتی صندوق به یارانه تامین اجتماعی اعضا اختصاص خواهد یافت.

لازم به یاد آوری است، اعضای صندوق اعتباری هنر از کمک ویژه معادل ۱۰ درصد از نرخ‌های ۱۴، ۱۸ و ۱۲ درصد ویژه صاحبان حرف و مشاغل آزاد در هر سال، بابت حق بیمه ماهانه خود برخوردار می‌شوند.

### انتشار یک کتاب نفیس در نکوداشت محمدرضا شجریان / «نغمه مانا» منتشر شد



کتاب «نغمه مانا» در قالب نکوداشت استاد محمدرضا شجریان خواننده موسیقی ایرانی در دسترس علاقه مندان قرار گرفت.

کتاب «نغمه مانا» عنوان یکی از تازه ترین آثار منتشر شده در حوزه موسیقی و هنرهای تجسمی است که در قالب نکوداشت استاد محمدرضا شجریان خواننده فقیه موسیقی ایرانی توسط انتشارات «راد نواندیش» در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است.

در توضیحات تکمیلی این اثر آمده است:

کتاب «نغمه مانا» اثری برای ابراز ارادت تعدادی از هنرمندان شناخته شده ایران زمین به چهره همیشه ماندگار هنر و موسیقی کشورمان مرحوم محمدرضا شجریان است که در ۲۵۶ صفحه به صورت قطع وزیری به صورت تمام رنگی به چاپ رسیده است.

تصاویر منتشرشده در این کتاب در بر گیرنده آثار نمایشگاهی به همین نام است که آذر ۱۴۰۰ با حضور چهره‌های شناخته شده حوزه موسیقی، گرافیک، خوشنویسی و سایر رشته‌های هنری در خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

انجمن صنفی طراحان گرافیک، خانه موسیقی و انجمن خوشنویسان برگزارکنندگان این رویداد و حسن کریمزاده دبیر این نکوداشت بودند.

در کتاب نغمه مانا شاهد آثار ی از استادان صاحب نام حوزه‌های گرافیک و خوشنویسی از جمله محمد سلحشور،

## نحوه تمدید کارت عضویت خانه موسیقی اعلام شد



نشاندند می‌توانند مبلغ حق عضویت خود را به شماره کارت ۶۰۳۷۷۰۱۱۹۹۵۰۲۴۱۷ به نام خانه موسیقی واریز کرده و تصویر مربوطه را به واتساپ خانه موسیقی به شماره ۰۹۳۶۴۱۱۳۱۰۰ ارسال کنند. برای اعضای که حضوراً مراجعه می‌نمایند دستگاه کارتخوان نیز در محل خانه موسیقی به عنوان یکی دیگر از راه‌های پرداخت حق عضویت فراهم است.

لازم به توضیح است، هنرمندانی که برای تشکیل پرونده عضویت اقدام کرده و تاکنون عضویت آنها تایید یا تکمیل نشده به هیچ عنوان پیش از اعلام واحد عضویت مبلغی را به حساب خانه موسیقی واریز نکنند.

آن دسته از اعضای که تمدید کارتشان بعد از ۳ روز کاری انجام نشده موضوع را از طریق تلفن به مدیر اجرایی خانه موسیقی اطلاع دهند.

نشانی سامانه جامع هنرمندان خانه موسیقی - <http://iranhmusic.ir/crm>

## کتاب «حاصل عمر» شامل آثار محمد اسماعیلی رونمایی شد



کتاب «حاصل عمر» شامل آثار محمد اسماعیلی، نوازنده و مدرس پیشکسوت تنبک روز جمعه ۳۰ اردیبهشت در فرهنگسرای اندیشه رونمایی شد.

به گزارش سایت خانه، در مراسم رونمایی از این کتاب که با حضور برخی از هنرمندان از جمله فریدون شهبازیان، میلاد کیابانی، داود یاسری و... برگزار شد دو نوازی سنتور و تمبک و گروه نوازی توسط گروه تمبک در دو بخش شامل آثار ایشان و قطعاتی از کتاب حاصل عمر توسط دست اندرکاران نشر به اجرا درآمد.

محمد علی اسماعیلی متین متولد ۴ شهریور ۱۳۱۳ در تهران، تحصیلات خود را در دبستان رازی و دبیرستان پیرنیا گذراند. مشوقین اصلی و اولیه وی در راه موسیقی دایی هایش مرتضی و مصطفی گرگین زاده بودند. آشنایی وی با استاد حسین تهرانی از سال ۱۳۳۰ شروع شد که دوران فعالیت جدی هنری وی است

واحد عضویت خانه موسیقی ایران طی اطلاعیه‌ای نحوه تمدید کارت عضویت را اعلام کرد.

به گزارش سایت خانه موسیقی، در پی سوالات اعضای خانه پیرامون نحوه تمدید کارت، واحد عضویت خانه طی اطلاعیه‌ای شرایط و نحوه تمدید کارت‌ها را اعلام کرد.

در این اطلاعیه آمده است: اعضای خانه موسیقی که اعتبار کارت عضویتشان به اتمام رسیده است میبایست علاوه بر تکمیل پلن کاربری خود در سامانه جامع هنرمندان به نشانی <http://iranhmusic.ir/crm> تمامی سوابق و مدارک خود را نیز در قسمت آپلود مدارک به شرح ذیل بارگزاری نمایند:

۱- شناسنامه (فقط صفحه اول، در صورتیکه دارای توضیحات است صفحه مربوطه نیز آپلود شود)

۲- کارت ملی

۳- مدارک تحصیلی مرتبط با موسیقی

۴- تأییدیه استاد برای هنرمندان فاقد مدرک تحصیلی مرتبط

۵- بروشور کنسرت‌ها، تقدیرنامه‌ها و کلیه سوابق هنری و

اجرائی به صورت مکتوب

۶- کارت صلاحیت تدریس

۷- گواهی از آموزشگاه‌های موسیقی دارای مجوز مبنی بر

تأیید مدت فعالیت تاکنون

۸- مجوزهای اخذ شده از میراث فرهنگی، صنایع دستی و

غیره

۹- سایر مدارک مرتبط با موسیقی

### چگونگی پرداخت حق عضویت

اعضای محترم پس از آپلود مدارک در سامانه جامع هنرمندان و با اخذ تأییدیه از واحد صدور کارت وارد پلن کاربری خود شده و در فرم بالای صفحه قسمت صورتحساب را انتخاب کرده و برای پرداخت حق عضویت خود به شکل آنلاین اقدام نمایند.

همچنین اعضای که به هر دلیلی موفق به پرداخت آنلاین

مجید کولیوند از انتشارات نای و نی برگزیده شد. در بخش ترجمه کتاب موسیقی نیز کتاب «درآمدی بر فلسفه موسیقی» تألیف رابرت آگوستوس شارپ، ترجمه حسن خیاطی از نشر بان به عنوان کتاب برتر معرفی گردید.

### خانواده هنرمندان در گذشته مورد حمایت قرار گرفتند



معاون توسعه مدیریت و منابع صندوق اعتباری هنر گفت: به ۱۲۶ خانواده هنرمندان متوفی در سال ۱۴۰۰ در قالب بسته حمایتی اصحاب فرهنگ و هنر تسهیلات بلاعوض تعلق گرفت. به گزارش سایت خانه موسیقی به نقل از سایت صندوق اعتباری هنر، معاون توسعه مدیریت صندوق اعتباری با اعلام این خبر گفت: با پیگیری وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و صندوق اعتباری هنر بسته حمایتی اصحاب فرهنگ و هنر در دو بخش تسهیلات بلاعوض و قرض الحسنه بدون بهره با تخصیص ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار در دولت سیزدهم تدوین شد.

حیدری در ادامه گفت: این بسته در دو بخش بلاعوض و تسهیلات قرض الحسنه تدوین شد که در بخش بلاعوض مجموعاً به هنرمندان سه میلیون و ۶۰۰ هزار تومان تخصیص یافت که تاکنون دو مرحله به حساب اعضا واریز شده است.

معاون صندوق اعتباری هنر در ادامه گفت: متأسفانه در سال ۱۴۰۰ تعدادی از فعالان فرهنگی و هنری عضو صندوق از میان ما رفتند که با هدف تکریم و حمایت از خانواده متوفیان عضو صندوق تصمیم گرفته شد مبلغ پنج میلیون تومان به حساب خانواده آنان از محل بسته حمایتی واریز شود که تاکنون ۱۲۶ خانواده شناسایی و به حساب آنان واریز شد.

حیدری تکریم اصحاب فرهنگ و هنر را وظیفه ذاتی صندوق عنوان کرد و گفت: هنرمندان، میراث فرهنگی زنده جوامع بشری شناخته می‌شوند که فقدان آنها جبران ناپذیر است. حفظ نام و یاد آنها یکی از اصلی‌ترین رسالت‌های نهادهای فرهنگی و هنری است. از این رو ما در صندوق اعتباری هنر تلاش می‌کنیم در حد توان یاد این عزیزان را زنده نگه داشته و از خانواده آنها حمایت نماییم.

و در سال ۱۳۳۷ با معرفی استاد تهرانی در ارکسترهای وزارت فرهنگ و هنر از جمله گروه هم‌نوازان تنبک به رهبری استادش شروع به فعالیت نمود و در سال ۱۳۴۳ در سمت هنرآموز هنرستان موسیقی ملی به جانشینی استاد خود به آموزش پرداخت. در سال ۱۳۴۵ سرپرستی گروه تنبک نوازان وزارت فرهنگ و هنر را بر عهده گرفت که ۱۲ سال فعالیت این گروه همراه با ۱۵ قطعه بر اساس ریتمهای ایرانی است که در کنسرت‌های خارج از کشور اجرا شده است. معروفترین این قطعات قطعه رونما است که بر اساس یکی از داستان‌های اصیل ایرانی متجاوز از ۲۰۰ بار بر روی صحنه اجرا شده است. بعد از درگذشت پیر خود همراه با گروه نوازندگان فرهنگ و هنر به سرپرستی استاد فرامرز پایور دوران نوین فعالیت خود را آغاز کرد و در ۲۳ کشور بر روی صحنه رفتند. سال ۱۳۶۸ بار دیگر در کنار اساتید موسیقی ایران تحت عنوان گروه اساتید موسیقی ایران بر روی صحنه رفتند. در مصاحبه‌ای با استاد تهرانی در مقابل این سوال که چه کسی در میان شاگردان شما می‌تواند دنباله رو شما باشد ایشان فرمودند اگر خدا توفیق بدهد، محیط کثیفش نکند، کارش را رها نکند، تا زنده است پیگیر باشد و همینطور که الان هر ۵ دقیقه وقتش را روی ضرب می‌گذارد، من فقط اسماعیلی را قبول دارم.

### در مراسم جایزه کتاب سال کتاب‌های سال موسیقی معرفی شدند



در مراسم معرفی برگزیدگان جایزه کتاب سال کتاب‌های «سازشناسی کاربردی» در بخش تالیف و «درآمدی بر فلسفه موسیقی» در بخش ترجمه به عنوان کتاب‌های برگزیده معرفی شدند. به گزارش سایت خانه موسیقی، برگزیدگان و شایستگان تقدیر سی‌ونهمین جایزه کتاب سال و بیست‌ونهمین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در مراسمی با حضور رئیس‌جمهور معرفی شدند.

در این مراسم و در حوزه موسیقی در بخش تالیف کتاب «سازشناسی کاربردی: سازهای موسیقی کلاسیک ایران» تألیف



## درگذشتگان فصل بهار

### ■ عثمان محمدپرست

عثمان محمدپرست نوازنده پیشکسوت دوتار و هنرمند موسیقی نواحی ایران در سن ۹۴ سالگی دارفانی را وداع گفت.



عثمان محمدپرست هنرمند پیشکسوت موسیقی نواحی پنجشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه در سن ۹۴ سالگی در بیمارستان ۲۲ بهمن شهر خواف دارفانی را وداع گفت.

عثمان محمد پرست معروف به عثمان خوافی از ۱۰ سالگی با دوتارنوازی مانوس بود و آثار مطرح و معروف مختلفی شامل چاوشی و سرحدی از خود به یادگار گذاشت و در همایش‌ها و آئین‌های مختلف در داخل و خارج کشور به اجرای برنامه پرداخت.

نام زنده یاد محمدپرست به عنوان گنجینه زنده بشری در زمینه موسیقی مقامی در میراث فرهنگی ناملموس کشور طی سنوات گذشته به ثبت رسید.

تیرماه ۱۳۹۱ به همت خانه موسیقی و همکاری چند نهاد دیگر از جمله سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران همایش نکوداشت عثمان محمدپرست خوافی در تالار ایوان شمس برگزار شد.

### ■ اصغر حسینی

اصغر حسینی، نوازنده و مدرس پیشکسوت موسیقی اهل شهر یزد در سن ۹۴ سالگی چشم از جهان فرو بست. زنده یاد اصغر حسینی متولد ۱۳۰۸ یزد، نواختن تار را از ۱۴ سالگی نزد پدرش فراگرفت. او با گوش دادن به صفحات گرامافون و رادیو با بیشتر دستگاه‌ها و ردیف‌های موسیقی ایرانی بویژه در زمینه تار و آواز آشنا شد و در ۲۰ سالگی به عضویت ارکستر یزد درآمد.



اودر سال ۱۳۳۲ به استخدام آموزش و پرورش یزد درآمد و برای تکمیل دانش موسیقی خود برای تدریس با مراجعه به کتاب‌های گوناگون آموزش موسیقی تألیف استادان: کلنل علینقی وزیری، روح الله خالقی و دیگران به یادگیری نت خوانی، آشنایی با قواعد و فنون موسیقی و شیوه کار با سازهای گوناگون به گونه علمی پرداخت و همزمان به کار ردیف نوازی مشغول شد. وی همچنین

به یادگیری سنتور، ویولن، پیانو، سه تار و تنبک پرداخت و همزمان به آموزش موسیقی روی آورد و در مدت فعالیت خود شاگردان زیادی در حوزه موسیقی در شهر یزد تربیت کرد.

### ■ احمدرضا اسماعیلی

احمدرضا اسماعیلی (نوازنده سنتور و مدرس دانشگاه) بر اثر ایست قلبی در ۳۸ سالگی دارفانی را وداع گفت.



احمدرضا اسماعیلی متولد ۱۳۶۱ در تهران از محضر هنرمندانی همچون محمد علایی، مسعود شناسا، علیرضا مشایخی، مهراں روحانی، شاهین فرهت، نصرالله ناصح پور، اردوان و پشنگ کامکار بهره برده بود.

وی تدریس در دانشگاه را از سال ۹۳ آغاز کرد و از آخرین فعالیت‌هایش می‌توان به آهنگسازی «از خون سیاوش» برای اکستر فیلارمونیک بلغارستان، «کنسرتو برای سنتور و ارکستر» و مجموعه‌ای بر روی اشعار شاعران معاصر برای ارکستر سازهای ملی اشاره کرد  
آلبوم «مجلس عاشق کشی» به عنوان آهنگساز، آلبوم «واپسین بدرود» به عنوان نوازنده، آلبوم «آرش کمانگیر» به عنوان نوازنده، آلبوم «یادگاری» به عنوان نوازنده و سرپرست کر و کتاب «مجلس عاشق کشی» (پارتیتور) از دیگر آثار زنده یاد احمدرضا اسماعیلی هستند.

### ■ درگذشت دو هنرمند موسیقی در همدان

مسعود فریدونی و علی کیانی منش از هنرمندان و فعالان حوزه موسیقی شهر همدان در فصل بهار دارفانی را وداع گفتند.



مسعود فریدونی از هنرمندان پیشکسوت موسیقی شهر همدان، نوازنده نی و سنتور و از شاگردان زنده یاد استاد حسن کامکار بود که شاگردان زیادی را در شهر همدان در حوزه موسیقی تربیت کرد.

علی کیانی منش، نوازنده کمانچه و از شاگردان علی اکبر شکارچی، اردشیر کامکار و کیهان کلهر بود. او همچنین در حوزه خوشنویسی فعال بود و در مدارس حاشیه شهر همدان به عنوان معلم خدمت می‌کرد.



کتابخانه ملی آواز ایران

[www.iranhmusic.ir](http://www.iranhmusic.ir)